

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۷

جمعه ۱۱ تیر ۱۴۰۰ - ۲ ژوئیه ۲۰۲۱



### اعتصابی با شکوه و قدرتمند در نفت

شهلا دانشفر

اعتصاب در نفت فراگیر شده است. دامنه آن به ۷۵ مرکز نفتی در هشت استان کشیده شده است. این اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی در پالایشگاهها، پتروشیمی ها و نیروگاهها ست. اما کارگران ارکان ثالث و قرارداد موقت نیز دارند وارد اعتصاب میشوند. کارگران رسمی نفت نیز بخاطر نحوه افزایشات مزدی خود در اعتراض بودند که دولت ناگزیر به عقب نشینی و پس گرفتن بخش اصلی مصوبه مجلس در این رابطه شد. اینکه اعتصاب نفت از کجا شروع، خواستها و مطالبات کدامند، چه گرایشاتی و با چه شیوه هایی از مبارزه درگیر در این حرکت اعتراضی سراسری هستند، عکس العمل حکومت در مقابل آن چه بوده است و چه جایگاهی این مبارزات در جنبش کارگری و بطور مشخص در فضای سیاسی جامعه دارد موضوعاتی است که سعی میکنم مختصر در این نوشته به آنها بپردازم.

این کارگران یکی از امضا کنندگان قطعنامه های اول ماه مه امسال و یک نیروی جنبش برای خواست افزایش دستمزد به بالای ۱۲ میلیون بودند و همانجا با اعلام خواستههای خود پیگیر مطالباتشان شدند. ماجرا از این قرار است که کارگران پروژه ای پیمانی نفت بعد از اعتصاب گسترده ۲۵ هزار نفره خود در سال گذشته و قول و وعده هایی که داده شد، یک اعتراض دائمی شان این بوده که چرا به وعده ها عمل نشده است و بر سر این موضوع مرتبا در اینجا و آنجا شاهد تجمعات اعتراضی این کارگران و پیگیری مطالباتشان بوده اند. تا اینکه در ۲۹ خرداد کارگران در واحدهای متعددی همزمان دست به اعتصاب زدند.

در میان کارگران نفت مثل همه بخشهای دیگر ما با گرایشات مختلفی روبرو هستیم و روشن است که هر گرایشی پاسخ و راهکارهای خود را به اعتراضات کارگران دارد. از جمله کمپینی در همین روزهای آخر خرداد از سوی گروه پایبندنگ و اکیپ پروژه ای تحت عنوان "کمپین تخلیه سراسری" آغاز شد و فراخوانش اعتصاب و ترک محل کار بود. و با عناوینی تحت عنوان اینکه محل کار را

### آغاز اعتصاب و سر بلند کردن شورای سازماندهی اعتراضات

مزمه های اعتصابات سراسری کارگران پیمانی پروژه ای نفت از اواخر سال ۹۹ آغاز شد. کارگران غیر رسمی نفت طی بیانیه هایی اولتیماتوم دادند که اگر به مطالباتشان پاسخ داده نشود ناگزیر به شروع دور جدید اعتصاباتشان هستند.

ادامه در صفحه ۲

### در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

۱، ۲ و ۳

اعتصابی باشکوه و قدرتمند در نفت. شهلا دانشفر

۴، ۵ و ۶

اعتصاب نفتگران، جایگاه و سیر آتی آن. حمید نقوائی

۶ و ۷

مادری از سلماس: خون را با خون نمی شورند. حسن صالحی

۸

جوابیه بخش امور خارجه انگلیس به نامه شیوا محبوبی

۹، ۱۰ و ۱۱

اندیشه و سیاست: در معرفی حزب کمونیست کارگری ایران. پادکست

اصغر کریمی

۱۲ و ۱۳

از مدیای اجتماعی حزب

۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸

اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱



ترک کنید ولی تجمع نکنید و هر تجمع و شعاری اغتشاش و کار ضد انقلاب است، دست به کار شد. از سوی دیگر و همزمان بدنه کارگری نفت که تجربه اعتصاب سال گذشته را دارند، خود وارد میدان شده و تحت عنوان "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" وارد اعتصاب شدند. این شورا در اولین بیانیه خود در سی ام خرداد ماه اعلام اعتصاب سراسری کرد و همانجا با همکاران رسمی که اولتیماتوم داده بودند که اگر به اعتراضشان رسیدگی نشود در نهم تیرماه تجمعات سراسری خواهند داشت، اعلام همبستگی کرد. بدین ترتیب اعتصابات گسترده کارگران پروژه ای پیمانی نفت از ۲۹ خرداد آغاز شد و هر روز دامنه اش گسترده تر شد.

### اعتصاب بر سر چه؟

موضوع اصلی اعتراضات کارگران پروژه ای پیمانی نفت اعتراض علیه دستمزدهای حداقلی و وضعیت بد معیشتی و کاری بود. اعلام کنندگان کمپین تخلیه سراسری با پیشنهاداتی بر سر افزایش سطوح مزدی که رده های مختلف تخصصی در میان کارگران پاییننگ و جوشکار را در بر میگرفت و همچنین مطالبه ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی، کار خود را آغاز کرد و همه تاکیدشان بر تسویه حساب و تخلیه محیط های کار بود. این کمپین بعد با عناوینی چون کمپین ۱۴۰۰ و یا کمپین ۲۰-۱۰ خود را معرفی میکرد.

"شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" نیز بر سر خواست افزایش دستمزدها پاسخ روشنی داشت. اولین بند بیانیه این شورا این بود که مزد هیچ کارگر شاغلی در نفت نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. باید فوراً سطح دستمزدها افزایش یابد و به نسبتی که قیمت اجناس افزایش می یابد سطح مزد کارگران نیز بالا رود و علاوه سایر سطوح مزدی کارگران باید بر اساس توافق با نمایندگان منتخب آنها افزایش یابد. این مطالبه تمامی کارگران نفت از پایین ترین رده های

لحاظ روشهای مبارزات تاکید شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت هوشیاری نسبت به توطئه گری های پیمانکاران و استفاده از حربه اخراج در زمان ترک محیط های کار و ایجاد تفرقه در میان کارگران بود. از همین رو در جاهایی کارگران اعتصابی ضمن پیوستن به اعتصاب در خوابگاهها ماندند برای اینکه بتوانند به موقع جلوی توطئه گری های پیمانکاران مفتخور را بگیرند. در همین راستا در بیانیه شورا بر برپایی تجمع در مقابل مراکز نفتی، پالایشگاهها و وزارت نفت و مراکز مختلف نفتی به عنوان شکل تکمیلی اعتراض و دخالتگری فعال خانواده های کارگری و جلب همبستگی مردم تاکید شده بود.

با این حال تا اینجای مساله شاید هنوز نشود تفاوت گرایشات و سیاست های راست جریاناتی که تحت عنوان کمپین ۱۴۰۰ کار میکنند و گرایش رادیکال و کارگری ای که خود را تحت عنوان شورای سازماندهی اعتراضات بیان میکنند به روشنی دید. اما تفاوتها وقتی شکل آشکارتر و عریانتری بخود میگیرد که سردمداران "کمپین ۱۴۰۰" صراحتاً هدف خود را تعهد به "نظام مقدس اسلامی" و کار در "چارچوب قوانین جمهوری اسلامی" اعلام کرده و به

رو به کارگر سخن میگویند که ۴۲ سال است وزارت اطلاعات رژیم و حراستی های حاکم بر نفت با کارگران سخن گفته اند. یک نمونه آن عکس العمل هیستریک آنها در برابر بیانیه های شورای سازماندهی و اقبال این شورا از سوی کارگران است. برای مثال در یکی از بیانیه هایشان با اعلام تعهد به "نظام مقدس اسلامی" از در تهدید وارد شدند و با واژه هایی چون "موج سواری ضد انقلاب"، "خائن"، "بهره برداری های سیاسی از مطالبات قانونی در جهت منافع سیاسی و غیره محکوم است و غیره عملاً دست به همان نوع پرونده سازی های امنیتی حکومتی علیه کارگران معترض زدند. اینها حتی شورای سازماندهی کارگران را به خارج کشور نسبت دادند و آخر سر نیز با ضد نظام و سیاسی خواندن بیانیه های این شورا و اینکه فراخوان به تجمع بر علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی و کارگری است، در قامت تمام عیار یک همکار صدیق حکومت ظاهر شده و تهدید کردند که افرادی که از این شورا و از خواستهها و اعتراضاتشان سخن میگویند را شناسایی و به پلیس فتا که شاخه اطلاعات حکومت است معرفی خواهند کرد.

ادامه در صفحه ۳



ادامه از صفحه ۲

همه این اتفاقات و اینکه خود از همان آغاز اعتصابات اخیرشان با شورای سازماندهی اعتراضشان و با بیان شفاف و روشن مطالباتشان وارد میدان شده اند، بیش از پیش نشانگر هوشیاری کارگران و یک پیشروی بزرگ در مبارزات کارگران نفت و در جنبش کارگری است. بدین گونه است که کارگران نفت سازمانیافته و متحد به میدان آمده و اجازه نمی دهند که چنین جریاناتی با حاشیه امنی که دارند جلودار قضیه باشند و مبارزه آنان را به دنباله این جناح و آن جناح حکومت بکشانند و دارند با قدرت به جلو میروند. به عبارت روشنتر تجربه کارگران پیمانی نفت از اعتصابات قدرتمندشان در سال گذشته کمک کرد که امسال با دید روشن تری وارد اعتصاب شوند و اجازه ندهند که عده ای بعنوان قیم از بالای سر آنها تصمیم بگیرند و اعتراضات کارگران را دستمایه سهم خواهی خود در درون سیستم حاکم کنند. از همین رو امسال کارگران نفت قدرتمند تر و متحد تر و سازمان یافته تر به میدان آمده اند و به مرکز توجه جامعه و جهان تبدیل شده اند.

این چنین است که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت چه به لحاظ شکل اعتراض و چه به لحاظ خواستها و مطالبات عملا و تا همین جا اتحاد سراسری کارگران نفت را نمایندگی کرده است. از همین رو در انعکاس اخبار مربوط به این اعتصابات نیز اگر توجه کنیم رسانه های مختلف از بی بی سی گرفته تا رادیو فردا و ایران اینترنشنال و نیز تشکلهای کارگری در داخل و در سطح بین المللی عمدتا از این شورا به عنوان هماهنگ کننده اعتصابات کارگران نفت نام می برند.

### عکس العمل حکومت در قبال اعتصاب سراسری نفت

اعتصاب قدرتمند نفت ولوله ای در درون حکومت به راه انداخته است. در حالیکه روحانی و زنگنه کارگران را به پیمانکاران حواله میدهند و موضوع را مربوط به دولت

نمیدانند، بحث در درون مجلس داغ است. بنا بر خبرها نشست های پشت پرده ای نیز از سوی افرادی از سردمداران راست درون اعتراضات نفت تحت عنوان "نمایندگان کارگری" با رئیسی رئیس جمهور انتصابی قاتل صورت گرفته است و ظاهرا رئیسی قول هایی داده است. این نمایندگان خود گمارده از زمره همان کسانی هستند که در اعتصاب قدرتمند سال گذشته کارگران پیمانی نفت با نامه دادن به مجلس و به خامنه ای از زبان کارگر و خاطر جمعی دادن به اینکه اوضاع تحت کنترل است، سعی کردند رایزنی هایی بکنند. اما این اقدام بر خشم و اعتراض کارگران شدت داد و آنها هر چه بیشتر خود را از این جریان دور کردند و نمود آنرا امروز در سر بلند کردن شورای اعتراضات کارگران میدوان دید.

### حمایت ها و همبستگی ها

از سوی دیگر انجمن صنفی کارفرمایی شرکت های مهندسی و پیمانکاری نفت و گاز و پتروشیمی در عسلویه طی نامه ای خطاب به وزیر نفت و مقامات دست اندرکار با اذعان به خسارات وارده از این اعتصابات به پیمانکاران و به کل صنعت نفت از وزیر نفت درخواست کرده اند که برای رفع مشکلات اعتصاب کارگران ورود کنند و نشست داشته باشند.

در جاهایی هم خبر از عقب نشینی هایی از سوی پیمانکاران میرسد که در مقابل کارگران اعلام کرده اند که وعده و وعید قبول نمیکند و هر قول و وعده ای باید رسما و کتبی اعلام شود. همچنین در برخی مراکز کاری پیمانکاران با اخراج کارگران اعتصابی پیمانی، سعی میکنند کارگران را برای شکستن اعتصاب زیر فشار بگذارند، اما اعتصاب نفت همچنان با قدرت جلو میرود و دامنه اش وسعت می یابد.

داده بود که اگر پاسخ نگیرند دست به اعتراضات گسترده تر خواهند زد. زیر فشار این اعتراضات و اعتصابات گسترده در نفت حکومت در هراس از گسترش بیشتر اعتراضات در نفت ناگزیر به عقب نشینی شد و اصلاحیه ای بر مصوبه نحوه افزایشات مزدی سال ۱۴۰۰ کارگران رسمی به تصویب رساند که از آغاز تیرماه قابل اجرا است. براساس این اصلاحیه محدودیت دو و نیم میلیونی افزایش حقوق ها و تخصیص برخی از آیتم های مزدی و کاهش آنها لغو گردید. این عقب نشینی در عین حال بر فضای اعتراضات کارگران پیمانی اعتصابی نفت تاثیر گذاشته و کارگران بر تداوم اعتراضات خود تا رسیدن به مطالباتشان تاکید دارند.

### کرده اند. درسهای تا کنونی اعتصاب نفت

ایران، کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، کانون صنفی معلمان تهران، کانون های صنفی معلمان الیگودرز، گیلان، سقز و زیویه، مریوان، ندای زنان ایران، کانون صنفی معلمان و دانشجویان پیشتاز اصفهان، انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد با اعتراضات کارگران نفت اعلام همبستگی کرده اند. بعلاوه همبستگی مادران و خانواده های دادخواه از جمله گوهر عشقی مادر ستار بهشتی که بدست جانبان اسلامی به قتل رسید و مادران آبانما از جمله مادر نوید بهبودی، مهرداد رضایی و مادر رضا معظمی گودرزی با کارگران نفت قابل توجه است. مادر رضا معظمی در پیام خود اعتصاب نفت را ادامه آبان میخواند. همچنین طوماری اعتراض مرکب از فعالین کارگران در سنج به راه افتاده است و نیز فعالینی چون اسماعیل بخشی و جعفر عظیم زاده و جوانمیر مرادی و فوزیه خالصی از چهره های کارگری پیام حمایتی داده اند. بخش دیگری از حمایت ها از سوی جمع ها و گروههایی از مردم از میان کولبران، کارگران بیکار، فعالین دفاع از حقوق کودک، فعالین دفاع از حقوق زن و دانشجویان است.

دستاوردهای دیگر اعتصابات نفت شورای سازماندهی اعتراضات است. این شورا را میشود در همه جا شکل داد و با اعلام خواسته های سراسری خود به استقبال اعتصابات سراسری رفت. از جمله در جایی چون نیشکر هفت تپه امروز کارگران می توانند با اعلام شورای سراسری اعتراضاتشان همبستگی مبارزاتی خود را با کارگران نفت به نمایش بگذارند.

این همبستگی نشانگر وزن سیاسی و اجتماعی کارگران نفت است. کارگران با عنوان کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما دارند با کارگران نفت اعلام همبستگی میکنند و بدرست کارگر نفت را در جلوی صحنه سیاسی جامعه می بینند. بعلاوه اعتصاب نفت از سوی رسانه های مختلف فارسی زبان بین المللی انعکاس داده شده و به موضوع بحث تبدیل شده است. در سطح بین المللی نیز تا هم اکنون اتحادیه عمومی کارگران بخش نفت و گاز عراق، شبکه سراسری نمایندگان محل کار انگلستان (NSSN)، فدراسیون بین المللی پتروشیمی اینداستریال و - شبکه بین المللی سندیکایی همبستگی و مبارزه مشتمل از دهها اتحادیه و تشکل و زیر مجموعه از کشورهای مختلف از آمریکا، اروپا، آفریقا و عراق. ترکیه و.. حمایت خود را از مبارزات کارگران نفت اعلام

کرده اند. درسهای تا کنونی اعتصاب نفت

## اعتصاب نفتگران: جایگاه و سیر آتی آن این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



**خلیل کیوان:** اعتصاب کارکنان نفت و گاز و پتروشیمی ها و صنایع وابسته به آن هر روز گسترده تر میشود. بیش از ۷۵ شرکت در ده استان در اعتصاب اند. تاثیر این اعتصاب در اوضاع سیاسی ایران و بر جنبش های اعتراضی و اعتراضات سایر بخش های طبقه کارگر چیست؟ عکس العمل حکومت به این اعتصاب چه خواهد بود؟ پیروزی اعتصاب در گرو چیست؟ حکومت و نیروهای امنیتی و پیمانکاران چگونه با این اعتراضات روبرو خواهند شد؟ نقش رهبری اعتصاب چیست؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی پرسش اول من در مورد جایگاه و اهمیت اعتصاب کارگران نفت است. این اعتصاب از دو جنبه، از نظر مطالبات کارگری و همچنین از نظر تاثیر در فضای عمومی جامعه، حائز اهمیت است. شما نقش و جایگاه اعتصاب در این دو جنبه را چطور ارزیابی میکنید؟

**حمید تقوایی:** به نظر من از هر دو جنبه این اعتصاب دارای جایگاه برجسته و تعیین کننده ای است. تا آنجا که به جنبش کارگری مربوط میشود مطالبه اصلی که مطرح شده، اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد، یک خواست عمومی است که فقط به کارگران نفت محدود نمیشود بلکه خواست همه کارگران در تمام مراکز تولیدی و خدماتی است. مبارزه حول خواست اضافه دستمزد سابقه ای طولانی دارد اما جنبش برای خواست معین حداقل دستمزد ۱۲ میلیون از سال گذشته شکل گرفت و حول این شعار برای اولین بار بازنشستگان و

معلمان و مراکز مختلف کارگری مثل کارگران فولاد اهواز در کنار هم قرار گرفتند و تجمعات و تظاهراتی متحدی برپا کردند. در ادامه این جنبش است که امروز کارگران نفت به میدان می آیند. اعتصاب سراسری نفتگران در واقع نقطه اوجی در این جنبش است و بسیار قدرتمند تر و تعرضی تر این مطالبه را روی میز می گذارد. تا امروز این جنبش در شکل تظاهرات و تجمعات بروز پیدا میکرد اما امروز اعتصاب گسترده و سراسری کارگران در یک بخش کلیدی اقتصاد این پرچم را بلند کرده است.

البته کارگران مطالبات دیگری هم دارند که آنها هم خواست همه کارگران است. مطالباتی نظیر دائمی شدن قراردادهای کار و قطع دست پیمانکاران و ایمنی شرایط کار و غیره. یک خواست ویژه کارگران ده روز مرخصی ماهانه است که بخاطر شرایط سخت و طاقت فرسای کارگران پیمانی در مراکز وابسته به نفت جایگاه مهمی در مبارزه آنان دارد.

در هر حال خواست محوری افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون به این اعتصاب خصلت و چهره ای سراسری میدهد. در یک سطح کلان تر خواست قطع دست پیمانکاران، در امتداد خواست خلع ید در اعتصابات هفت تیه، نشان دهنده جنبه دیگری از جایگاه برجسته اعتصاب نفتگران است.

اما اهمیت این اعتصاب در جنبش کارگری تنها از نقطه نظر مطالبات نیست. جایگاه و تاثیراتش در جنبش کارگری از این نظر هم مهم است که یک اعتصاب بسیار گسترده و

سراسری، در یک شاخه مهم یعنی صنعت نفت شکل گرفته است و هزاران کارگر در بخش نفت و گاز و پالایشگاهها و پتروشیمیها و حفاریها و اخیرا رانندگان نفتکشها را در بیش از ۷۵ مرکز تولیدی و در ده استان بمیدان آورده است. نفس این گسترده و سراسری بودن این حرکت آن هم در صنعتی که رژیم همیشه تلاش داشته است یک فضای پادگانی و پلیسی در آن ایجاد کند، تحول مهمی در جنبش کارگری و در کل جامعه است. این اولین باری است که در جمهوری اسلامی چنین اتفاقی می افتد.

نکته دیگر درجه سازمان یافتگی و اتحاد و همبستگی کارگران در چنین بخش متنوعی از شرایط کار و قراردادهای پیمانکاران مختلف و رده های مختلف شغلی و استخدامی و کارگران رسمی و پیمانی و غیره است. کارگران تا اینجا توانسته اند بطور موفقیت آمیزی این حرکت گسترده را متحدانه به پیش ببرند.

اینها همه جنبه ها و نقطه قوتیهای برجسته اعتصاب در جنبش کارگری است.

اما در سطح جامعه هم این اعتصاب اهمیتی سیاسی پیدا میکند. البته نه به این معنی که کارگران خواستهای سیاسی ای مطرح کرده اند، بلکه به این دلیل که در فضای رادیکال بعد از انتخاب، یا بهتر است بگوئیم انتصاب، رئیسیتی که تمام جامعه در مقابلش ایستاد و در جریان مضحکه انتخاباتی جواب محکمی به حکومت داد، هنوز رئیس جمهور منفور از راه نرسیده کارگر نفت به میدان آمده و جبهه تازه ای را در مقابل حکومت گشوده است. به این ترتیب جامعه ای که با نه به جمهوری اسلامی بپا خاسته بود اکنون یک حرکت امید بخش و پیشروئی را در جلوی صف میبیند. از این نظر اعتصاب سراسری نفت در فضای سیاسی جامعه حرکت الهام بخشی است که میتواند خون تازه ای در شریان اعتراضات توده ای مردم

و جنبش سرنگونی جاری کند. **خلیل کیوان:** بخش بزرگی از کارکنان صنعت نفت - بیش از ۷۵ درصد آن - غیر رسمی اند و در شرکت های پیمانکاری وابسته به این صنعت مشغول به کار هستند. طبق آخرین خبرها و بیانیه های شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی صنعت نفت، اعتصاب در بیش از ۷۵ مرکز و در ده استان کشور در جریان است. با توجه به پراکندگی این کارکنان و برخورد متفاوت پیمانکاران، اعتصاب چگونه میتواند به اهداف خود برسد؟ روحانی گفته است که اعتصاب ربطی به شرکت نفت ندارد و باید با شرکت های پیمانی حل و فصل شود.

**حمید تقوایی:** یک کاربرد و ارزش مصرف شرکتهای پیمانکار و واسطه برای سرمایه داران و دولتشان اینست که بتوانند کارفرماهای متعددی در برابر بخشهای مختلف کارگران در یک صنعت و شاخه تولیدی قرار دهند و به این ترتیب اجازه ندهند یک اعتراض و اعتصاب هماهنگ و سراسری شکل بگیرد. همین اظهارات روحانی که گفته است این اعتصابات به وزارت نفت مربوط نیست و کارگران بروند یا پیمانکاران به توافق برسند و یا صحبتیهای اخیر زنگنه و بقیه مقامات حکومتی که مساله را فقط به کارگران بخش رسمی که در استخدام دولت هستند محدود کردند - میدانید بخش رسمی هم به تجمع اعتراضی در روز ۹ تیرماه فراخوان داد - خود بخوبی کاربرد و ارزش مصرف پیمانکاری برای حکومتها را عیان میکند. دولتها در قبال اعتراضات و اعتصابات کارگران پیمانی این موضع را میگیرند که ما با پیمانکاران قرارداد بسته ایم و شما کارگران هم باید با پیمانکار خود به توافق برسید.

منتها علیرغم همه اینها نفس اینکه اعتصاب سراسری در چنین سطح گسترده ای شکل گرفته است و هر روز بخشهای دیگری به اعتراض می پیوندند نشاندهنده آنست که

تا اینجا این ترفندهای حکومت بجائی نرسیده است. دولت و پیمانکاران خوشبختانه تا امروز نتوانسته اند بین بخشهای مختلف تفرقه بیندازند. نتوانسته اند اساسا به این دلیل که کارگران خواستهای سراسری و در برگیرنده همه کارگران را روی میز گذاشته اند و اجازه نداده اند حتی بین کارگران رسمی و پیمانی تفرقه بیفتد. میدانید که سطح حقوقی رسمی ها بیشتر از ۱۲ میلیون است و اساس اعتراضشان اینست که با مصوبات تازه مجلس حقوق آنها کاهش یافته است. اما کارگران با طرح خواست افزایش همه سطوح دستمزدی در کنار شعار "دستمزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد"، نتوانسته اند چتر فراگیری ایجاد کنند و در کنار هم قرار بگیرند.

اینها نقطه قوت اعتصاب جاری است ولی هیچ چیز تضمین شده نیست. روشن است که در ادامه اعتصاب، حکومت و پیمانکاران تلاشهای بیشتری برای به عقب راندن و به شکست کشاندن آن خواهند داشت. این تلاشها فی الحال شروع شده است. در بخش هایی پیمانکاران کارگران را به مذاکره فراخوانده اند و سعی میکنند با بخش هایی از کارگران اعتصابی به توافق برسند. کارگران در مقابل اعلام کرده اند خواست ما سراسری است و اجازه نمیدهیم با وعده و وعید به بخشهای مختلف در صفوف ما تفرقه ایجاد کنند. ترجیح کارگران اینست که در سطح سراسری مذاکره کنند و به توافق برسند. با این همه محتمل ترین حالت این است که در بخش هایی پیمانکاران به خواستهای معینی از کارگران تن بدهند. در این صورت کارگران باید این امر را به عنوان نمونه ای از امکان پذیری تحقق خواست هایشان در برابر دیگر پیمانکاران قرار دهند و خواستار تحقق آن خواسته معین در سطح سراسری بشوند. می خواهیم بگوئیم در صورتی که به بخش هایی از کارگران نه با

ادامه از صفحه ۴

وعده و وعید، بلکه عملاً و بطور واقعی امتیازات معینی بدهند نباید این امر باعث تضعیف اتحاد سراسری کارگران بشود بلکه برعکس باید آنرا نتیجه اعتصاب سراسری دانست و بر ادامه آن تا تحقق خواست همه کارگران پای فشرد.

**خلیل کیوان:** یک ویژگی این اعتصاب اینست که دارای رهبری است. در دل این اعتصاب نهادی به عنوان شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی شکل گرفته و تا کنون بیانیه هائی منتشر کرده است. برخی میگویند روشن نیست این شورا چگونه شکل گرفته است و پرسش و ابهاماتی در مورد ماهیت این شورا و نقش و عملکرد آن مطرح میکنند. نظر شما در این مورد چیست؟

**حمید تقوائی:** کارگران ایران بخاطر دیکتاتوری عریان و خشن حکومتها نتوانسته اند از تشکلهای توده ای و علنی برخوردار باشند و از اینرو به ناگزیر اعتصابات به شکلی که در غرب "اعتصاب گریه و وحشی" خوانده میشود شکل میگیرند. یعنی اعتصابات بدون فراخوان و رهبری تشکلهای و نهادهای کارگری رسمی و شناخته شده و به شکل غیرقانونی. عبارات دیگر این امکان وجود ندارد که کارگران در تشکلهای علنی و قانونی خود تصمیم به اعتصاب بگیرند و نماینده انتخاب کنند و مانند کشورهای غربی رهبران اعتصاب با اسم و رسم برای همه شناخته شده باشند. در چنین شرایطی رهبری اعتصاب در روند اعتصاب شکل میگیرد. در مورد هفت تپه و کارگران فولاد اهواز این اتفاق افتاد و امروز در مورد اعتصاب نفتگران هم شاهد همین روند هستیم. اینکه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی معرفی و شناخته شده نیست و یا رابطه اش با کارگران روشن نیست ناشی از موانع و محدودیت هائی است که به کارگران تحمیل شده است. راه دیگری وجود ندارد. مهم اینست که نهادی که شکل گرفته چه سیاست و خطی را دنبال میکند، چه رهنمودهائی میدهد، و مهمتر از همه تا چه حد مورد اعتماد کارگران اعتصابی است.

در شرایطی مثل جامعه ما رابطه ارگانهای رهبری و سازماندهی اعتصابات با توده کارگر اساساً بر مبنای اعتماد شکل میگیرد. و این اعتماد البته در جریان عمل و در دوران مبارزه بدست می آید. یعنی از طریق رهنمودها و فراخوانها و مواضعی که در برابر دولت پیمانکاران دارد و تلاشی که برای حفظ وحدت کارگران اعتصابی بکار میبرد و غیره.

از بیانیه هائی که تا بحال شورای سازماندهی منتشر کرده است اینطور به نظر میرسد که خط درستی را در پیش گرفته است. و تا امروز توانسته است اتحاد بین کارگران رسمی و پیمانی و مراکز مختلفی که به اعتصاب پیوسته اند را حول خواستهای مشترک همه کارگران حفظ کند.

در هفت تپه هم همینطور بود. رهبران اعتصاب هفت تپه هم رسماً و از جانب توده کارگران انتخاب نشدند بلکه اتوریته خود را در جریان عمل کسب کردند.

اهمیت شکل گرفتن رهبری در اعتصاب جاری حتی در مقایسه با هفت تپه، اینست که نه با اسم مبهم جمعی از کارگران و یا نظایر آن، بلکه از همین ابتدا با اسم مشخص شورای اعتراضات اعلام موجودیت کرده است و بیانیه ها و گزارشات و رهنمودهای خود را با این امضا منتشر میکند. و همین باعث شده است توجه کارگران هر چه بیشتری و همچنین افکار عمومی و رسانه ها در داخل و خارج ایران را به خود جلب کند. به نظر من هر نیروئی که واقعا دلش برای کارگران میتپد و میخواهد این اعتصاب تقویت بشود باید از این شورا حمایت کند.

**خلیل کیوان:** با توجه به اهمیت سیاسی اعتصاب تأثیر آن بر مبارزات دیگر بخش های طبقه کارگر و بر سایر جنبش های اعتراضی و جنبش های حق طلبانه را چگونه می بینید؟

**حمید تقوائی:** فضای سیاسی جامعه ایران بخصوص در شرایط حاضر طوری هست که هر اعتراض و اعتصابی حتی اگر

کاملاً صنفی و مطالباتی باشد به سرعت معنی سیاسی پیدا میکند. چرا که باعث و بانی همه مسائل و معضلات مردم حکومت جمهوری اسلامی است و از اینرو هر اعتراضی عملاً حکومت را به چالش میکشد.

تا آنجا که به واحدها و مراکز تولیدی مربوط میشود حکومت عملاً و مستقیماً دخیل و ذبنفع در تحمیل بیحقوقی و چپاول هر چه بیشتر کارگران است. مثلاً در همین مورد اعتصاب نفتگران ظاهراً کارگران با شرکتهای پیمانکار طرف هستند ولی همه میدانند که این شرکتهای، نظیر باندهای خصوصی - دولتی، با هزار و یک بند به دولت و اعوان انصار آیت الله های میلیاردر و باندهای حکومتی متصل هستند. در جمهوری اسلامی برخلاف کشورهای دیگر، بخش خصوصی و دولتی و شرکتهای پیمانکار و موسسات دولتی و غیره نهادهای مجزائی نیستند بلکه دستشان در جیب همدیگر است. اساس کار در بستن قراردادهای وابستگی به سپاه و بسیج و بیت رهبری و دیگر ارگانهای قدرت و برخورداری از رانت دولتی است و نه مثلاً برنده شدن در مناقصه ها و مزایده ها. پیمانکاران در واقع بخش غیر رسمی خود دولت و باندهای مافیائی حاکم هستند.

به این اعتبار هر نوع مقابله کارگران علیه کارفرماهای خصوصی و یا پیمانکار و غیره عملاً در مقابل دولت قرار میگیرد.

از سوی دیگر هر اعتصابی را خود دولت سیاسی - امنیتی میکند. فعالین و رهبران کارگری که خواستار حقوق پایه ای شان هستند را به جرم به خطر انداختن امنیت ملی دستگیر و بازداشت میکند و با پرونده سازی سیاسی - امنیتی محکوم و زندانیان میگرد.

بنابراین هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی هر حرکت اعتراضی و حق طلبانه ای فوری بازتاب و معنی سیاسی پیدا میکند.

بخصوص همانطور که در ابتدا اشاره کردم در شرایط امروز

اعتصاب نفت عملاً دارای نقش و جایگاه سیاسی مهمی است. در جریان مضحکه انتخابات جنبش سرنگونی گامهای بزرگی بجلو برداشت به این معنی که فعالین و مردم عادی صریح و روشن و با اسم و رسم در تریبونهای خیابانی و در مدیای اجتماعی به سرنگونی حکومت رای دادند. به این ترتیب جنبش سرنگونی که قبلاً در سطح حرکتیهای توده ای و خیابانی حضور داشت امروز در سطح فعالین و چهره ها و نهادهای مبارزاتی علناً و با اسم و رسم به میدان آمده است.

در چنین شرایطی اعتصاب نفت با توجه به ابعاد و سراسری بودنش بسیار بیشتر از هر تحول دیگری بر فضای سیاسی تأثیر میگذارد و چراغی در برابر جنبش سرنگونی قرار میدهد. جامعه در مییابد که با تظاهرات و تجمعات و شورشهای خیابانی این بار با اتکا بر و با پشت گرمی اعتصابات سراسری میتواند ضربه نهائی را به حکومت بزند.

این چشم انداز امیدبخش امروز در برابر جامعه قرار گرفته است و از همین رو ما شاهد پیامهای همبستگی از جانب نه فقط بخشهای دیگر جنبش کارگری مثل هفت تپه و فولاد اهواز، و نهادهای و چهره های کارگری بلکه از جانب فعالین جنبشهای دیگر هستیم. نمونه اش جنبش دادخواهی و مادران جانباختگان هستند که علناً از این اعتصاب پشتیبانی کردند و آنرا ادامه آبان نامیدند.

**خلیل کیوان:** سیر و روند اعتصاب به کدام سوست؟ موفقیت و پیروزی آن در گرو چیست؟ رژیم و نیروهای امنیتی آن بیکار نخواهد بود و فقط نظاره گر اوضاع نیستند. تاکتیک های رژیم چه خواهد بود و برای مقابله با آن چگونه باید آماده شد؟

**حمید تقوائی:** بدیهی است حکومت تمام سعی اش را میکند که اعتصاب را به شکست بکشاند. ولی به نظرم در موقعیتی نیست که بتواند با سرکوب سراسری و بازداشت و دستگیری به سراغ کارگران بیاید. میدانند در شرایط سیاسی امروز این برخورد آتش

اعتراضات را شعله ورتتر خواهد کرد. اولین تلاش حکومت اینست که همانطور که اشاره کردم با توجه به پیمانکاران مختلف صفوف کارگران را بشکند و این کار را فی الحال شروع کرده است. حکومت همچنین تلاش خواهد کرد با سردواندن کارگران و طولانی کردن مدت اعتصاب کارگران را خسته و فرسوده کند. میدانید که طولانی شدن اعتصابات فقط به ضرر کارفرما و دولت نیست بلکه موجب ضعف و نومیدی صفوف اعتصاب هم خواهد شد. کارگر بالاخره باید بتواند زندگی خود و خانواده اش را تأمین کند. البته با سازماندهی صندوقهای اعتصاب میتوان تا حدی از این امر جلوگیری کرد ولی نهایتاً اعتصاب طولانی به فرسودگی کارگران منجر خواهد شد. دولت و کارفرما میتوانند این فرسودگی و خستگی را با اخراج در بعضی مراکز اعتصابی و یا تهدید و ارعاب کارگران همراه کنند و یا با اعمال فشارها و محدودیت هائی مثل بستن خوابگاهها و یا قطع برق و آب این مراکز و غیره که از هم اکنون شروع شده است، اعتصاب را بشکنند.

اینها تاکتیک هایی هست حکومت میتواند اتخاذ کند. البته امکان دستگیری فعالین اعتصاب هم هست و اگر حکومت بتواند صفوف اعتصاب را به اندازه کافی ضعیف کند بازداشت و سرکوب بیشتری را در دستور خواهد گذاشت.

در برابر همه اینها چه باید کرد؟ به نظر من قبل از هر چیز کارگران باید اولاً بر مطالبات متحد کننده ای که تا بحال مطرح کرده اند تأکید کنند و ثانیاً حمایت بخشهای هر چه بیشتری از کارگران سایر بخشها و فعالین جنبشهای اعتراضی و کل جامعه را جلب کنند. حتی باید در خارج کشور حمایت سازمانهای کارگری و نهادهای و نیروهای مترقی و افکار عمومی را به اعتصاب نفتگران در ایران جلب کرد. رسوائی های حکومت در چند ساله اخیر که افتضاح انتخاباتی آخرین نمود آن بود فضای عمومی در



ادامه از صفحه ۵

## مادری از سلماس: خون را با خون نمی شورند!



حسن صالحی

بعد از اینکه حبیب رضایی جوان ۳۳ ساله روز ۳۱ خرداد ۱۴۰۰ خرداد در شهر سلماس به اتهام قتل اعدام شد من مطلبی در این مورد نوشتم و همچنین مصاحبه ای با تلویزیون کانال جدید انجام دادم که در آنجا مخالفت شدید خودم را با اعدام بطور کلی و اعدام حبیب رضایی بطور مشخص اعلام کردم.

حرفهای من در اینستاگرام شخصی ام مورد توجه زیادی قرار گرفت و بازدید کننده فراوانی مخصوصا از شهر سلماس داشت. این خود نشان می دهد که بحث و گفتگو درباره این مسائل چقدر مهم است و اهمیت دارد. بسیاری با من هم عقیده بودند که حبیب رضایی نباید اعدام می شد و عده ای نیز البته مخالف نظر من بودند. در این میان یکی از افراد بسیار نزدیک به خانواده فردین داغستانی، جوانی که حبیب در عالم مستی متهم به قتلش در سال ۱۳۹۷ بود، طی تماسی از من ابراز گله مندی کرد که چرا من با اعدام حبیب مخالفت کرده ام که من نیز توضیحات مفصلی به صورت نوشتاری به آنها دادم.

اما در همان حالی که عضوی از خانواده داغستانی از من گله مند بود یکی دیگر از سلماس با من تماس گرفت و گفت از دل پر درد مادر می گفت که می خواهد فریاد و دردش به گوش جهانیان رسانده شود. ایشان از مادر نوید فرخ زاده یاد کرد که روز ۲۵ اسفند ۱۳۹۹ یعنی پنج روز قبل از عید در شهر سلماس

کشورهای غربی را برای حمایت از اعتصابات و اعتراضات در ایران بیش از پیش فراهم کرده است. هر چه این حمایتها در داخل و خارج کشور گسترده تر باشد به همان اندازه احتمال موفقیت هر یک از تاکتیکهایی که رژیم و پیمانکاران علیه اعتصاب بکار میگیرند ضعیف تر خواهد شد.

نکته آخر اینکه کارگران و بویژه شورای سازماندهی باید آماده و مترصد باشند تا در شرایط مناسب و در شرایطی که هنوز اعتصاب در نقطه اوج خود است به مذاکره برای قبولاندن خواستههای اعتصاب به پیمانکاران و دولت بپردازند. به این منظور باید نمایندگانی که رای و اعتماد توده کارگران را با خود داشته باشند تعیین و معرفی شوند و این امر نیز باید در روند اعتصاب انجام شود.

محور پیشبرد این اقدامات سازمان یافتگی است و به این بستگی دارد که رهبران اعتصاب و شورای سازماندهی تا چه حد میتوانند اعتماد کارگران بخشهای مختلف را بدست بیاورد.

بعنوان آخرین نکته در یک سطح عمومی ارزیابی من اینست که این اعتصاب حتی اگر به تمام خواست هایش نرسد و حتی اگر رژیم موفق شود اعتصاب را به شکست بکشاند تا همینجا یک دستاورد مهمی در جنبش کارگری است و بخصوص در فضای سیاسی عمومی جایگاه مهمی پیدا میکند و میتواند در ادامه خودش راه را برای شکل گرفتن اعتصابات سراسری همه کارگران و زمینه سازی یک اعتصاب عمومی هموار کند و از این نقطه نظر، مستقل از نتیجه خود اعتصاب، نقش مهم و تعیین کننده ای در مبارزات مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی ایفا نماید.

۳۰ ژوئن ۲۰۲۱

ما را یکی بعد از دیگری اینچنین میگیرد. نوید فرخ زاده نیز متهم بود که "سعید پوربدل" را در شهریور سال ۱۳۹۵ به قتل رسانده است. سعید دوست صمیمی نوید بود. اینجا هم در عالم مستی

ادامه در صفحه ۷

بلند گریسته و خود او اشک ریزان نمی دانسته برای دلداری این مادر داغدار و دل شکسته چه بگوید. ایشان به من گفت که هر کدام از شما نیز پای حرفهای این مادر می نشستید زیر گریه می زدید که این چه نظام و سیستمی است که جان عزیز جوانان

اعدام شد. اعدام این جوان ۲۴ ساله بعد از سفر رئیسی جلاذ به آذربایجان غربی در اسفند ۱۳۹۹ اتفاق افتاد. این شخص که پای صحبت مادر نوید نشستته بود می گفت که این مادر وقتی شرح حال فرزندش را برایش تعریف می کرده چندین بار با صدای

ادامه از صفحه ۶

بگو مگو در می گیرد و سعید با ضربات چاقو زخمی می شود و سپس در بیمارستان با کمال تأسف جان می دهد. در این پرونده فرد دیگری هم نقش داشته است ولی به دلیل پارتی بازی وی پس از تحمل سه ماه زندان تبرئه می شود. نوید ۱۹ ساله را چنان در آگاهی مورد ضرب و شتم و شکنجه و فشار قرار می دهند که بالاخره مجبور می شود مسئولیت قتل را بر عهده بگیرد.

نوید فرخ زاده متولد سال ۱۳۷۵ بود و بهنگام رویداد آن اتفاق ناگوار تنها ۱۹ سال داشت. در یادداشتی او ضمن ابراز تأسف شدید از مرگ سعید می نویسد که "از دادستان خواهش دارم که قبل از اجرای حکم مرا سر قبر سعید ببرید تا با او آخرین دیدار را داشته باشم." چهار سال و نیم آرکار خانواده فرخ زاده برای نجات نوید از مرگ تلاش کردند. ولی نتیجه ای نداشت. می گویند به هر دری زدیم. کسی نبود که ندیده باشیم. شب قبل از اعدام برای طلب بخشش از خانواده مقتول به جلوی درب منزل آنها می روند و در آن ایام زمستان تا ساعاتی بعد از نیمه شب می مانند. متأسفانه در میان بستگان

مادری "سعیدپوربدل" یکی دو نفری بودند که اصرار زیادی بر اعدام نوید داشتند. صبح روز اعدام خانواده فرخ زاده به همراه تعدادی دیگر در مقابل زندان تجمع می کنند. مادر نوید به همراه دختر ۱۵ ساله اش با گریه و ضجه التماس می کنند که اجازه دهند برای آخرین بار عزیزشان را ببینند ولی نمی گذارند. نوید پای چوبه دار طلب بخشش می کند و زمانی که جواب منفی می گیرد می گوید: "زودتر تمامش کنید!" خانواده نوید فرخ زاده و بویژه مادر او بعد از اعدام نوید دچار افسردگی شدید شده اند. منبع خبری من می گوید مادر نوید می خواهد که کسی به حرفهایش گوش بدهد. درد و غمش زیاد است. بی قراری می کند. مخالف سرسخت اعدام است و می گوید آخر چطور میشود خون را با خون شست؟

روشن است که وقتی ما با اعدام مخالفت می کنیم به معنای تایید عملی نیست که منجر به مرگ کسان دیگری شده است. از همین رو همواره ضمن مخالفت با اعدام، با خانواده مقتولین نیز ابراز همدردی کرده ایم و اینجا نیز یکبار دیگر با خانواده "داغستانی" و "پور بدل" ابراز همدردی می

کنیم. مخالفت ما با اعدام در عین حال ضدیت با نظام و حکومتی است که اعدام کار هر روزه آن است تا حکومتش را سرپا نگه دارد. بخش زیادی از جوانان به دلیل بیکاری و فقر و تبعیض و محرومیت به افسردگی، اعتیاد، روحیه ای عصبی و ناامیدی دچار میشوند. این جوانان در یک نظام آموزشی بزرگ شده اند که بر اساس آموزه های ارتجاعی مذهب استوار است و مملو از خشونت و اشاعه دهنده رفتارهای ضد انسانی است. خشونت های فجیع و هر روزه حکومت از شکنجه تا آدمکشی در خیابان و دار زدن انسان و رفتار بیرحمانه با زنان و شلاق زدن شهروندان و غیره باعث دامن زدن هر چه بیشتر خشونت در جامعه شده است. همه این عوامل و فشارهای ناشی از یک زندگی سخت و دشوار دست به دست هم می دهند و باعث ازدیاد خشونت در جامعه می شود. از همین رو نزاع در میان مردم بیشتر میشود و برخی نزاع ها به جاهای باریک میکشد، به چاقوکشی و قتل منجر میشود. حاکمان اسلامی بجای اینکه در این وسط مسئولیت خود را در ایجاد این شرایط ببیزند یک نوجوان ۱۸-۱۷ ساله را میکشند، در دادگاههای بسته و بشدت غیر عادلانه

محکوم میکنند، در زندان مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار میدهند و بعد جانش را میکشند. این چرخه خشونت بدینگونه پایان نمی گیرد بلکه ادامه پیدا می کند. این حکومت مهمترین عامل تولید خشونت و دامن زدن به خشونت است. قتل "سعید پوربدل" و "فردین داغستانی" محصول چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. قاتل اصلی این دو نفر در واقع نه حبیب و نوید و یا کسی دیگری که خود این حکومت است که امنیت و آسایش و رفاه و امید به آینده و همه چیز را از جامعه ربوده است و خود عامل آدم کشی دهها هزار نفره در این مملکت است.

جمهوری اسلامی می کوشد با اتکا به قوانین قرون وسطایی قصاص، خانواده های مقتول را شریک جرم و جنایت خود کند و خود را از خشم مردم در امان نگه دارد و در عوض خانواده ها را به جان هم بیاندازد. اما جنگ ما با حکومت است. جنگ اصلی ما علیه بیکاری و فقر است. جنگ ما بر سر رفاه و آسایش شهروندان است. جنگ ما بر سر زندگی خوب و مرفه برای کودکان و نوجوانان با آموزش صحیح و انسانی است. جنگ

ما با سنتهای خرافی مذهبی و پوسیده است که از سوی حکومت اشاعه داده می شود. در این جنگ ما باید پشت همدیگر را بگیریم. در این جنگ ما باید به قوانین ضد انسانی قصاص پشت پا بزنیم و شریک جنایت جمهوری اسلامی نشویم. در این جنگ ما باید از زندگی و داشتن یک زندگی بهتر دفاع کنیم. باور کنید شرایط زندگی انسانها بهتر شود زمینه بروز این اتفاقات هم از بین میرود. اگر جوانان آینده ای داشته باشند، شغلی داشته باشند، رفاه و آزادی و تفریح داشته باشند، بجای خرافات مذهبی و فرهنگ عزا و انتقام و آدمکشی، آموزشی انسانی در مدارس به آنها داده شود هم نزاعشان با هم کم میشود و هم یک نزاع ساده به چاقوکشی و قتل منتهی نمیشود. در جنگ برای زندگی و یک زندگی بهتر ما باید یکصدا بگوئیم اعدام نه! هر چه فریاد دارید بر سر حکومت آدمکش و جنایتکار بزنید!

حسن صالحی - سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

۳۰ ژوئن ۲۰۲۱

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL جدید  
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv  
nctv.tamas@gmail.com

## جوابیه بخش امور خارجه دولت انگلیس به نامه شیوا محبوبی در رابطه با نازنین زاغری ردکلیف



شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۲۱ نامه ای در رابطه با نازنین زاغری، زندانی دوتابعیتی، به وزارت خارجه انگلستان و نخست وزیر بوریس جانسون ارسال داشت. در این نامه که لینک آن را در زیر مشاهده می‌نمایید در رابطه با پرونده سازی جدید برای نازنین زاغری، فشارهای وارده بر خانواده نازنین و سایر خانواده های زندانیان دو تابعیتی و عدم اقدام موثر دولت انگلیس برای آزادی این زندانیان توضیح داده شد.

وزارت خارجه انگلستان در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۲۱، در جواب، نامه ای به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان ارسال کرده که خلاصه ای از نامه را در زیر مشاهده می‌کنید. متن کامل نامه در انتهای این اطلاعیه می‌باشد.

در این نامه گفته شده است :

” از نامه ارسالی شما در مورد نازنین زاغری تشکر می‌کنیم. تصمیم ایران برای صدور یک حکم دیگر برای نازنین زاغری غیر انسانی و غیر قابل توجیه است و به عمد می‌خواهند فشار بیشتری به نازنین بیاورند. ما به اقدامات محکم خود برای خاتمه دادن به وضعیت وی، برگشت وی به انگلستان و پیوستنش به دختر و همسرش ادامه می‌دهیم. ما بارها از ایران خواسته ایم که نازنین را به زندان برنگردانند. حق برخورداری از حفاظت دیپلماتیک برای نازنین این موضوع را به مسله ای بین دو دولت تبدیل کرده است و علیرغم اینکه ایران حاضر نیست دوتابعیتی بودن افراد را قبول کند ما این را تاکید کرده ایم که نازنین شهروند انگلستان است. ما هر اقدامی را که بنظرمان مناسب باشد را برای آزادی او انجام می‌دهیم. ما متعهد هستیم که از آزادی دائم و فوری شهروندان دوتابعیتی در ایران دفاع کنیم. وزیر خارجه مسله آزادی شهروندان دوتابعیتی را با وزیر خارجه ایران ظریف، رئیس جمهور روحانی در مارس ۲۰۲۱ و همچنین سفیران ما در تهران با وزارت خارجه ایران در میان گذاشته است. نخست وزیر با همسر نازنین زاغری در ماه ژانویه سال گذشته ملاقات کرد تا راهپای را برای حمایت از برگرداندن نازنین به انگلیس صحبت کنند. وزارت خارجه در تماس با خانواده نازنین زاغری است و آنها را در ۳ مارس ملاقات کرد. ما همچنین نگران سایر دوتابعیتها که در ایران در زندان هستند می‌باشیم و از طرف خانواده اینها اقدام می‌کنیم. ما تصمیمات را بر اساس کیسها و اینکه چه چیزی به نفع آنها است اتخاذ می‌کنیم.”

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مداوما سیاست گروگانگیری رژیم جمهوری اسلامی را در رابطه با زندانیان دوتابعیتی افشا و با فشار به دولت‌ها خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این زندانیان است.

از شما مردم آزادبخواه دعوت می‌کنیم که زندانیان دوتابعیتی و خانواده هایشان را فراموش نکنید. در کشورهای اروپایی با نوشتن نامه به دولت محل اقامتتان خواستار آزادی این زندانیان شوید.

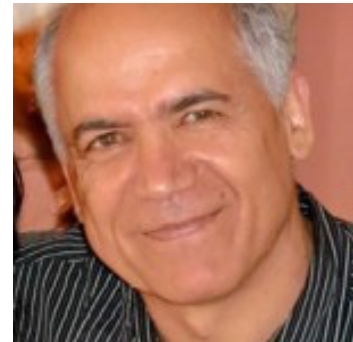


# اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث‌های صوتی پادکست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکست: کاظم نیکخواه  
لینک: [andishevasiasat.podbean.com](http://andishevasiasat.podbean.com)

## در معرفی حزب کمونیست کارگری



اصغر کریمی

اصغر کریمی هستم و ضمن سلام به شما قصد دارم در این برنامه مختصری در مورد حزب کمونیست کارگری توضیح بدهم که شناخت بیشتری از این حزب بدست آورید. کلا حزب کمونیست کارگری حزب شناخته شده‌ای است. به جرات میتوان گفت فعال ترین حزب سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که در زمینه های مختلفی مشغول فعالیت است. سی سال قبل تشکیل شده، دارد، تلویزیون ۲۴ ساعته دارد، کارزارها و کمپین های وسیعی سازمان داده و به این دلیل بسیاری از شما که این برنامه را گوش میدهید کم و بیش با آن آشنایی دارید.

اگر بخواهم در یک جمله توضیح بدهم هدف حزب کمونیست کارگری ایجاد یک جامعه آزاد، مرفه، انسانی، آزاد، مدرن و سکولار در جامعه است و روشن است که مانع اصلی چنین جامعه ای جمهوری

خاتمی آمد گفتیم نه، احمدی نژاد آمد گفتیم نه، رفسنجانی قبلترش آمد گفتیم نه، روحانی آمد گفتیم نه و هر کس دیگر هم بیاید میگوییم نه. با هیچ شخصیت این حکومت سازش نکرده، با هیچ قانونش سازش نکرده، با مذهب و ایدئولوژی حاکمش سازش نکرده و مبارزه قاطع و پیگیری را علیه جمهوری اسلامی به پیش برده است. هم در خارج هم داخل ایران. در خارج حتما خیلی از شما شنیده اید که کنفرانس برلین که ۲۱ سال قبل تشکیل شد حزب کمونیست کارگری نیروی اصلی بود که این کنفرانس را روی سرشان خراب کرد و اجازه نداد مقامات جمهوری اسلامی در داخل جنایت بکنند، سرکوب بکنند، فقر و بدبختی را به مردم تحمیل کنند، به زور حجاب به سر زنان بکنند و مردم را شکنجه بکنند اما بیایند خارج ادای اینرا درآورند که نماینده مردم ایران هستیم، اوضاع دارد عوض میشود و از این پزها بدهند. بعد از کنفرانس برلین جمهوری اسلامی نتوانست هیچ کنفرانسی در خارج تشکیل بدهد. هیچ مقام جمهوری اسلامی نتوانست در خارج سخنرانی بکند مگر در اتاق های دربسته با مقامات یک کشور ملاقاتی کرده باشند تازه همانجا هم مقابل آن سالن ها حزب کمونیست کارگری فعالترین نیرویی بوده که تظاهرات سازمان داده و مقاماتی مثل آیت الله شاهرودی و قاضی منصوری هم که به خارج آمده اند همینکه حزب مطلع شده کاری به سرشان آورده که از پشت در بیمارستان یا از جایی فرار کنند و به ایران برگردند. نه تنها این بله با تمام قوانین جمهوری اسلامی، قانون کارش، قانون قصاصش، قانون اساسی اش، قوانین مربوط به تعزیرات و غیره با تمام اینها حزب درافتاده، کارزارهای وسیعی علیه اینها گذاشته، افشاگری کرده، تلاش کرده افکار عمومی جهانی را از فجاج جمهوری اسلامی و اینکه مردم با چه حکومتی طرف اند آشنا کند. با فرهنگ ضد انسانی اش مبارزه کرده، با خرافاتش، با سیاست هایش علیه زنان، با حجاب اجباری اش، با رفتار

بیشرمانه و جنایتکارانه اش با کودک، با محیط زیست، علیه اعدام و سنگسار و سرکوب، برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه ظلمی که به معتقدین به مذاهبی مانند بهائیت میشود، علیه ظلمی که به همجنسگراها و رنگین کمانی ها میشود، علیه سیاست های تروریستی اش در منطقه، یعنی هیچ وجهی از حکومت نبوده که حزب در مقابلش نایستاده باشد، افشا نکرده باشد و آنجا که عملی بوده راه حلی ارائه نداده باشد.

اما اولین سوال این است که ایجاد چنین جامعه انسانی که در ابتدا اشاره کردم ممکن است؟ یعنی جامعه ای که انسان در آن حرمت داشته باشد؟ برای اینکه انسان حرمت داشته باشد نابرابری نباید باشد، تبعیض نباید باشد، فقر و ستم و سرکوب نباید نباشد، و همه باید در رفاه باشند. همه بدون استثنا. همه از امکانات برابر در زمینه های اقتصادی و سیاسی برخوردار باشند. و درعین حال مردم در تصمیم گیری ها شرکت داشته باشند. نه اینکه اکثریت مردم زحمت بکشند، چهارتا مدیر و مقام حکومتی هر تصمیمی خواستند در کارخانه و دانشگاه و در سطح جامعه بگیرند. بنابراین ما نه تنها خواهان رفتن جمهوری اسلامی هستیم بلکه کل نظامی که سرمنشاء همه بدبختی ها است باید زیر و رو شود.

از نظر ما ایجاد چنین جامعه ای کاملاً عملی است. ولی عده ای میگویند نمیشود و عملی نیست. بعضا میگویند آرزوهای خوبی است اما هیچوقت نشده و هیچوقت هم نمیشود. برده دارها هم همین را می گفتند، می گفتند اعتراض فایده ندارد، از ازل تا ابد همینطور بوده، قضا و قدر است باید ساخت. آخرت را هم به مردم بیچاره یعنی برده ها وعده داده اند. فتودالها یا اربابان هم همین را به مردم میگفتند. در اروپا کشیش ها و کلیساها و در کشورهایی مثل ایران آخوندها و آیت الله ها و یا خاخام ها و غیره که خود زمیندار بزرگ بودند، کارشان تحمیق مردم بود که بگویند

نمیشود تا مردم را ساکت کنند و حکومت ها سر پا بمانند. نقش این مراجع مذهبی این بود که موعظه کنند که توی سر و کله خودتان بزنید، عزاداری کنید، دعا کنید. اعتراض و مبارزه و متشکل شدن لازم نیست. ولی دیدیم که نظام فتودالی عوض شد برده داری هم عوض شد، سرمایه داری هم باید عوض بشود. یک کار ما این است که بگوییم میشود و راه تغییر را به مردم نشان بدهیم. الان چه کسانی میگویند نمیشود؟ سرمایه داران، صاحبان کارخانه ها و بانکها و مقامات حکومتی و آخوندها و فرماندهان سپاه و وزارت اطلاعات و غیره و شغلشان این است که به مردم بگویند همه جا همینطور است و اعتراض فایده ندارد و با همین وضع باید بسازید. یک کار ما این است که در مقابل همه این خرافاتی که اینها در جامعه پخش میکنند بگوییم نه، به مردم بگوییم که به خرافات طبقه مفتخور جامعه گوش ندهید آنها حافظ این نظام اند و از قبل آن سود میبرند و میلیاردرد شده اند. آنها این حرف ها را سالیان سال در مساجد و رسانه هایشان میگویند و تکرار میکنند و در نتیجه برخی از خود کارگران و مردم زحمتکش هم این عقاید را میپذیرند و محافظه کار میشوند. اما سر منشاء این افکار و عقاید خرافی و دروغ خود آن قشر مفت خور حاکمند که در حفظ این نظام منفعت دارند.

ولی با این حال ایجاد یک جامعه انسانی، یک جامعه آزاد و برابر از دوران برده داری تا در دوره فتودالی و الان در جامعه سرمایه داری یک آرزوی همیشگی مردم بوده است و مردم هر جا توانسته اند علیه وضع موجود و برای ایجاد دنیایی بهتر اعتراض کرده اند، گاهی شکست خورده اند و گاهی موفقیت هایی داشته اند، اما شرایط از نظر توانایی تولید و غیره طوری نبود که بشر بتواند جامعه ای سوسیالیستی ایجاد کند ولی نکته مهم این است که الان شرایط برای ایجاد یک جامعه برابر

ادامه از صفحه ۹

و انسانی فراهم شده است. تکنولوژی چنان پیشرفتی کرده که اگر مناسباتی انسانی بر جامعه حاکم باشد میتوان همه نیازهای همه بشر را تامین کرد. همه میتوانند صاحب مسکن مناسب بشوند نه یک آلونک و اتاق اجاره ای. همه میتوانند تغذیه خوب داشته باشند، رفاه داشته باشند، درمان خوب و با استاندارد بالا داشته باشند، آموزش رایگان داشته باشند، تفریح و سفر داشته باشند، آینده ای داشته باشند، بازنشستگی درستی داشته باشند و این سرمایه داری جلو ایجاد چنین نظامی را با چنگ و دندان گرفته است. جمهوری اسلامی هم با هزار جنایت و سرکوب خودش را سرپا نگهداشته تا جلو چنین تغییراتی را بگیرد. حزبی مثل حزب ما و هر کسی این عقاید را داشته باشد که میتوان و باید جامعه دیگری ساخت ممنوعه است چون این حرف ها در جامعه خیلی زمینه دارد. مردم از این حرف ها استقبال میکنند اگر استقبال نمیکردند این همه سرکوب و ممنوعیت ضرورتی نداشت. یک مشت مفت خور بی خاصیت یک مشت انگل انواع نیروی سرکوب، انواع قانون، سیستم قضایی و زندان و غیره سازمان داده اند که جلو شورش مردم برای ایجاد جامعه مطلوب را بگیرند. ولی اکثریت مردم، همان ها که همه چیز را تولید میکنند، همانها که بیمارستان ها را درست میکنند، مدرسه و دانشگاه میسازند، ماشین ها و کارخانه ها را درست میکنند، مواد غذایی و پوشاک تولید میکنند و همه نیازهای جامعه را تولید میکنند، از این نظام و این مناسبات راضی نیستند و میخواهند این وضع تغییرات بنیادی بکنند، میخواهند تیشه به ریشه این وضع بزنند و یکبار برای همیشه نجات پیدا کنند. اکثریت عظیم مردم کارکن و زحمتکش خوشبختی همنوعانشان را میخواهند، رفاه را برای همه میخواهند، برای همه دلسوزی میکنند و برخلاف آن قشر مفتخور که فقط برای خودش حرص میزند اکثریت مردم نوعدوست هستند، خواهان برابری و رفاه

### کمونیسم ساده، زمینی و مربوط به زندگی مردم

کمونیسم چیز پیچیده ای نیست. کمونیسم مربوط ترین مسئله به زندگی روزمره مردم است. کسی که رفاه میخواهد، عدالت میخواهد درمان خوب و تحصیل رایگان را حق همه میدانند، خوشبختی را برای همه میخواهد این یعنی کمونیسم. خیلی از مردم نمیدانند که کمونیستند ولی بطور واقعی کمونیست هستند. کمونیسم به همین سادگی است. خواهان یک زندگی انسانی بودن و مبارزه کردن برای آن یعنی کمونیست بودن. ولی لایه ای از قومپرستی، مردسالاری، مذهب و خرافه مثل گرد و خاک و غباری روی درون عدالت طلبی و کمونیسم انسانها را گرفته است، گرد و غباری که طبقه حاکم با تبلیغاتش و سرکوب و ارباب اش روی سوسیالیسم درون بخش زیادی از مردم کشیده است و اولین کار ما این است که این گرد و غبارها را بزداییم و کمونیسم درون انسان ها را آزاد کنیم. خرافات را کنار بزنیم و انسانیت مردم را آزاد کنیم.

### موقعیت کمونیسم در جامعه

اما موقعیت کمونیسم در ایران به عنوان یک جنبش سیاسی چیست؟ کمونیسم در ایران یک موقعیت بسیار اجتماعی و قدرتمندی دارد. امروز کمونیسم در ایران یک جنبش عظیم اجتماعی است و بسیار فعال است. فعال ترین جنبش سیاسی در ایران امروز جنبش کمونیستی است. صدها و صدها جمع و شبکه دارد که الان نمیتوانند خود را علنی کنند اما دارند کار خودشان را میکنند. کارخانه ای نیست که تعدادی فعال کمونیست در آن نباشد و معمولا اینها نقش فعال و رهبری دارند رهبر اعتصاب میشوند جلو تفرقه و توطئه ها را میگیرند، چشم

همکاران خود را باز میکنند، تلاش میکنند کارگران را متحد کنند، سیاست های حکومت و کارفرماها را خنثی کنند و همین امروز نقش مهمی دارند بازی میکنند. در دانشگاه ها و مدارس و ادارات هم همینطور است. در هر شهر و محله و روستایی که نگاه کنید تعدادی کمونیست هستند که دائم از عدالت و برابری دارند حرف میزنند و مردم را تشویق به مقابله با بی عدالتی و سرکوب میکنند. اینها همه کمونیست اند که یا متشکل شده اند یا به هر رو به اشکال مختلف مشغول فعالیت های موثری در جهت آگاه کردن مردم هستند و تاثیرات زیادی در جامعه میگذارند. بسیاری از معلمان و بازنشستگان کمونیستند، اکثر قریب به اتفاق فعالین تشکل ها که قطعنامه ها و بیانیه های رادیکال تهیه میکنند و علیه استعمار و نابرابری و تبعیض و بی حقوقی حرف میزنند، یا علیه اعدام و زندان و علیه بی حقوقی زن علیه بی حقوقی کودک حرف میزنند. اینها افکار و عقاید سرمایه داران و سرمایه داری نیست، حرف ناسیونالیست ها نیست، مال جنبش اسلامی نیست، مال قومپرستان نیست اینها حرف های کمونیست ها است که همه مردم هر روز از زبان کسانی در اطراف خودشان میشنوند. بعلاوه این کمونیسم یک حزب بسیار شناخته شده دارد با سابقه ای بسیار درخشان و خوشنام، با برنامه ای روشن که خواست های مردم در زمینه های مختلف را توضیح داده، هدف روشنی دارد، دهها چهره خوشنام و شناخته شده دارد، نهادهای متعددی را در دفاع از حقوق پنهانده تا دفاع از حقوق زن و کودک یا نهادهایی علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی یا علیه اسلام سیاسی یا برای همبستگی میان کارگر مهاجر افغانی و ایرانی، نهادهایی در دفاع از حقوق کارگر و برای شناساندن جنبش کارگری یا سایر جنبش های حق طلبانه به افکار عمومی مردم جهان را سازمان داده و کارزارهای زیادی را هر هفته دارد سازمان می دهد و تاثیرات سیاسی زیادی در جامعه ایجاد میکند. امید

یک نکته مهم در جامعه ایران این است که باورهای مذهبی بشدت در میان مردم ضعیف شده است علیرغم اینکه یک حکومت مذهبی سر کار است که ۴۲ سال است خرافه پخش میکند و سالانه میلیاردها دلار صرف دم و دستگاه مذهب و مساجد و امامزاده ها و آخوند و نماز جمعه و غیره میکند امروز بسیاری از مردم هیچ مذهبی ندارند و بخشی هم که خودشان را مسلمان یا به هر رو مذهبی می دانند اکثرشان که دستشان در جیب مفتخوران حکومت نیست این نظام و حکومت مذهبی را نمیخواهند و میگویند مذهب باید یک عقیده شخصی باشد و حکومت نباید در عقاید مردم دخالت کند و در این عقیده ما شریک هستند. ما اینها را از خودمان میدانیم. ممکن است خودشان را مسلمان یا مسیحی یا بهایی بدانند ولی آنکه کارگر و زحمتکش است خودش را باید متعلق به این حزب بدانند و ما هم او را متعلق به خودمان میدانیم. اینطور نیست که چون مسلمان است دشمن ما است یا

ما دشمن او هستیم. تمام آنها که خواهان عدالت و برابری هستند و بخشا هم اعتقادات مذهبی دارند بخشی از ما هستند، متعلق به جنبش ما هستند.

### طبقه کارگر و جنبش کارگری

یک نقطه قوت دیگر در جامعه ایران این است که جنبش کارگری هم بسیار قوی است و هم بسیار چپ است و هدفش نوع دیگری از سرمایه داری و استثمار نیست. کارگران مبارزه میکنند که نهایتا به عدالت و برابری برسند میخواهند جامعه سرمایه داری نباشد، اقلیت مفتخور صاحب همه امکانات تولید نباشند که اکثریت را استثمار کنند و به امروز مهمترین و قدرتمندترین جنبش اجتماعی در ایران است. سالانه چندین هزار اعتصاب صورت میگیرد، شاهد تجمعات معلمان و بازنشستگان و پرستاران هستیم. بخش زیادی از دانشجویان معترض متعلق به کارگران و اقشار محروم جامعه اند. میلیون ها جوان که به بیکاری و فقر اعتراض دارند بخشی از همین جنبش هستند. و همینطور که در بیانیه ها و قطعنامه های تشکل های کارگری میبینیم و یا در سخنرانی فعالین آنها شاهد هستیم، پرچم رهایی همه مردم را در دست گرفته اند. علیه اعدام، علیه ستم به زنان، علیه بی حقوقی کودک، برای آزادی عقیده و بیان و اعتراض. شعارهایی که در خیابان علیه اختلاس گران و دزدان حاکم میدهند یا علیه حقوق های نجومی و همه اینها را که نگاه میکنیم علیه نابرابری و بی عدالتی است و مضمونی کاملا سوسیالیستی دارد. همینطور همبستگی عمیقی میان بخش های مختلف مردم وجود دارد که دقیقاً به خاطر این است که عقاید کمونیستی و سوسیالیستی در تار و پود جامعه ریشه دوانده است. اینها مختصات جامعه امروز ایران است. بهر حال اینها از نقاط قوت جنبش کمونیسم کارگری



در ایران است و در واقع قدرت اجتماعی کمونیسم و در عین حال عملی بودن یک جامعه کمونیستی را نشان میدهد. اینقدر این جنبش قوی شده که شاخص ترین چهره های اپوزیسیون بورژوایی هم دارند اذغان میکنند که با سرنگونی جمهوری اسلامی سوسیالیست ها سر کار می آیند.

### چند مشخصه حزب کمونیست کارگری

ما معتقدیم سوسیالیسم همین امروز عملی است. نیرویش هست، برنامه اش هست، حزبش هست، اکثریت مردم آنرا میخواهند و موقعی که انقلاب شروع میشود مردم صدار سرپرست شروع به متشکل شدن میکنند، صد بار بیشتر تحزب پیدا میکنند، کمونیست ها راحت میتوانند روی چهارپایه بروند و عقایدشان را تبلیغ کنند، نشریاتشان را منتشر کنند و دفاترشان را باز کنند و اگر در شرایط دشوار فعلی کمونیسم همانطور که توضیح دادم موقفیت اجتماعی قدرتمندی در جامعه ایجاد کرده، در آن شرایط میتوان تصور کرد با چه سرعتی رشد میکند و چقدر مردم به آن میپسوندند و هیچ شخص و گروه و حزبی توان مقابله با آنرا نخواهد داشت. کدام جریان میتواند علیه خواست درمان رایگان یا تحصیل رایگان یا عدالت و برابری بگوید اینها به درد نمیخورد؟

یک مشخصه دیگر ما حکومت شورایی است. بی حقوقی مردم فقط این نیست که سرکوب میشوند، به زندان می افتند حق اعتراض و تجمع و تشکل یا آزادی بیان و عقیده ندارند، مردم قدرت تصمیم گیری هم مطلقا ندارند. نه در دانشگاه اکثریت دانشجو و استادان تصمیم گیرنده هستند نه در مدرسه معلمان یا دانش آموزان در تصمیم گیری شرکت دارند نه در کارخانه نه بیمارستان و نه هیچ جای دیگر. الان یک قشر مفت خوری به اسم مدیران ارشد و پیمانکار و کارفرما با

حقوق کلان یا استثمار شدید کارگران تصمیم میگیرند و کارگر و معلم و دانشجو و پرستار باید آنرا اجرا کند. و ما خواهان حکومتی هستیم با سیستم شورایی که مردم خودشان در تصمیم گیری ها شرکت دارند و اینطور مردم حرمت و احترام پیدا میکنند.

یک مشخصه دیگر ما اعتقاد به آزادی بی قید و شرط، تاکید میکنم بی قید و شرط بیان و عقیده و نقد مذهب و بی مذهبی، آزادی پوشش، آزادی اعتصاب و تجمع و تشکل و تحزب است و این خواست ها را با تلاش دهها ساله به عقیده بسیاری از مردم تبدیل کرده ایم.

ما همینطور در مورد اعتیاد و تن فروشی که از بلایای مهم این جامعه است و میلیون ها نفر به دلیل شرایط حاکم به آن دچار شده اند برنامه خیلی روشن و بسیار انسانی و بسیار شجاعانه برای نجات آنها داریم که امیدوارم در برنامه دیگری بتوانیم برنامه حزب، یک دنیای بهتر، را بیشتر معرفی کنیم.

حزب ما نماینده همه جامعه است. نماینده فقط کارگران نیست. یک حزب کارگری است اما پرچم رهایی کل جامعه را در دست دارد. ما میخواهیم ریشه نابرابری ها، ریشه فقر محرومیت، ریشه تن فروشی و اعتیاد، ریشه بی حقوقی کودک، بی حقوقی زن، ریشه سرکوب و خفقان را بخشکانیم. همه این بدبختی ها ریشه در نظام سرمایه داری دارد. نظام سرمایه داری احتیاج دارد مذهب را رواج بدهد، احتیاج دارد زن را بیحقوق کند و میان زن و مرد تفرقه بیندازد، احتیاج دارد سرکوب کند، احتیاج دارد جلو آزادی بیان و عقیده یا آزادی تشکل و تحزب را بگیرد و ما که مخالف بنیادهای این نظام هستیم عملا مخالف همه ظلم هایی هستیم که به بخش های مختلف جامعه روا داشته میشود. بنابراین هر زنی که آزادی میخواهد، هر کارگری که آزادی میخواهد، هر دانشجویی

که رفاه میخواهد، هر معلمی که رفاه میخواهد، هر بازنشسته ای که یک زندگی انسانی میخواهد، هر معتقد به بهائیت و سایر ادیان که آزادی میخواهد، باید خودش را در این حزب ببیند. این حزب همه آنها را به عمیق ترین وجهی نمایندگی میکند چون دشمن ریشه ای مشکلات و بیحقوقی آنهاست.

در عین حال یک مشخصه ما این است که با انقلاب میتوان این وضع را عوض کرد. ما دهها سال است اینرا می گوئیم اما الان جامعه هم به همین نتیجه رسیده است. دی ۹۶ اینرا نشان داد، آبان ۹۸ اینرا نشان داد. مردم در این خیزش ها نشان دادند که راهی جز انقلاب برای زیر و رو کردن این اوضاع نیست. راه حل هایی مانند فراندوم و نافرمانی مدنی و دخالت نظامی و رژیم چنج و کودتا پوچ است. بخش هایی از اپوزیسیون اینها را مقابل مردم میگذاشتند و مخالف انقلاب بودند اما عملا همه این طرح ها تماما شکست خورد و پوچ شد و به هوا رفت. مردم با پای خودشان نشان دادند که تنها راه انقلاب است. تنها راه در هم شکستن ارگان های سرکوب و بدست گرفتن قدرت توسط خود مردم و شوراهایشان انقلاب است. با سرنگونی جمهوری اسلامی کلیه نیروهای سرکوب باید در هم شکسته شود و منحل شود. اینها تمام عمر در صد سال گذشته نقششان سرکوب مردم بوده، سرکوب کارگر معترض بوده، سرکوب برابری طلبان و آزادخواهان و کمونیست ها بوده. اینها سرمایه داران را که قرار نیست سرکوب کنند، اینها نیروی سرکوبی هستند که طبقه سرمایه دار برای حفظ نظام و منافع خودش علیه مردم معترض سازمان داده است.

### انقلاب اجتماعی

باید انقلاب کرد و قدرت را از دست طبقه حاکم درآورد و ارگان های سرکوبش را در هم شکست و کلیه وسایل تولید، کارخانه ها، بانک ها، زمین های زمینداران میلیاردر را به

اموال عمومی جامعه تبدیل کرد. سرمایه داران با استثمار کارگران اینها را صاحب شده اند با چاپیدن و دزدیدن، سرمایه های کلان اندوخته اند. اینها مال مردم است باید از دست اینها درآورد و اشتراکی کرد. به اموال عمومی جامعه تبدیل کرد. فقط به این شکل میتوان به استثمار اکثریت مردم زحمتکش توسط یک اقلیت پایان داد. تمام اموالی که توسط مراجع مذهبی و امامزاده ها و مساجد و غیره دزدیده شده تماما باید به خزانه مملکت برگردد و صرف خوشبختی مردم شود. صرف بیمارستان و مدرسه و امکانات رفاهی و سایر نیازهای جامعه شود. اینطور میتوان به استثمار پایان داد و نابرابری ها را پایان داد. دیگر نباید چیزی به اسم سرمایه دار و کارگر وجود داشته باشد. همه جامعه باید بتواند کار کند و از نعمات جامعه بطور مساوی بهره مند شود. این جامعه امکان تامین همه جانبه غذا و پوشاک و مسکن را دارد که به عالیترین وجهی اینها را تولید کند. به شرطی که نظام ضد انسانی فعلی با یک نظام انسانی عوض شود که لازم نباشد میلیون ها نفر بیکار باشند، لازم نباشد عده ای پنجاه ساعت در هفته کار کنند و هشتشان گروه نه شان باشد و عده ای بیکاره مفتخوری کنند. در چنین جامعه ای رابطه مردم با هم عوض میشود. ناعدوستی و انساندوستی جای رقابت و خشونت و خصومت را میگیرد و آنوقت واقعا بشر هم از کار و تولید و هم از زندگی لذت میبرد.

کار ما به عنوان حزب کمونیست کارگری این است که به مردم بگوئیم نمیشود و نمیتوانیم و عملی نیست را به همان مفتخوران واگذار کنیم، به آیت الله ها و سرمایه داران واگذار کنیم. اگر یک مشت آخوند و یک مشت مفت خور و یک مشت کت و کراواتی مفت خور تر از آنها می توانند جامعه را سازمان بدهند و اداره کنند چرا مردم شریف و زحمتکش نمیتوانند، چرا کارگران نمیتوانند محل تولید را اداره کنند، چرا معلم

و دانشجو و پزشک و پرستار نمیتوانند محل کار خودشان را اداره کنند؟.. مهم این است که تبلیغات طبقه مفتخور حاکم و حکومتش را خنثی کنیم، در میان همکاران مان و دوستانمان وسیعا تبلیغ کنیم و این را جا بیندازیم که ایجاد یک جامعه انسانی عملی است. باید اعتماد به نفسمان را بالا ببریم، همبستگی مان را بیشتر کنیم و خودمان را سازمان بدهیم. یک بار آدم به دنیا میاید و حق دارد از یک زندگی انسانی برخوردار باشد. ما بیم که کار میکنیم. بیست سال سی سال و بعضا چهل سال در کارخانه و مزرعه و دانشگاه و بیمارستان یا در ترانسپورت و غیره کار میکنیم و حق مان است یک زندگی انسانی داشته باشیم هم خودمان هم بچه ها و نوه هایمان.

در نتیجه ما که داریم انقلاب میکنیم و این همه قربانی می دهیم، زندانی می دهیم یکبار برای همیشه هم باید رها شویم. قرار نیست اینهمه مبارزه کنیم و بعدش یک جامعه سرمایه داری دیگر سر کار بیاید و باز همین بدبختی ها و محرومیت ها و سرکوب ها در کار باشد و همین نابسامانی ما بر زندگی مان حاکم باشد. این حزب این حرف ها است و همینطور که گفتم این حرف ها بیشتر از هر حرف دیگری به زندگی روزمره مردم مربوط است و مردم با گوشت و پوست در زندگی شان، در کارشان و موقع خریدشان درک میکنند. بنابراین تقاضایم این است که این عقاید را همه جا رواج بدهید. این حرفها همبستگی میان مردم ایجاد میکند. متحد شوید، متشکل بشوید، عضو حزبتان بشوید، همکاری کنید، این حزب را تبلیغ کنید و به درجه ای که این حزب قدرت اجتماعی بیشتری پیدا کند مردم با اتحاد بیشتر و با اعتماد بنفس بیشتری برای آینده مبارزه میکنند.

**امیدوارم در برنامه های دیگر هم برنامه حزب و هم جنبه های دیگر از فعالیت حزب و تاریخ حزب را بیشتر باز کنیم.**

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran) اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkiki](https://t.me/wpi_hkiki) شماره آپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

### گلوله سهم «شوتی» سوار

امروز جوانی به نام اسماعیل حسینی از شوتی سواران شهر دیلم در استان بوشهر توسط نیروی انتظامی با شلیک مستقیم گلوله کشته شد. «شوتی» سوار که از فقر و بیکاری بعنوان یک شغل، چند سالیست در جنوب کشور رواج پیدا کرده، کاریست پر خطر. اینها کالاها و اجناس را با ماشین های سواری به شهرهای دیگر میبرند، کالاهایی مانند پارچه و لباس و امثالهم که به عنوان کالای قاچاق وارد کشور می شود و حاکمیت اسلامی ماموران انتظامی را موظف میکند که به هر شکل

ممكن این شوتی سواران را متوقف کنند و متأسفانه جوانانی که از فقر و بیکاری جانیشان را کف جاده ها گذاشته اند و با فشار دادن هرچه بیشتر پدال گاز از گردنه ها و پیچ های تند و خطرناک گذر میکنند تا اجناسشان را از دست ماموران نجات بدهند و لقمه نانی بدست آورند با گلوله های ماموران انتظامی مواجه میشوند.

فقر و بیکاری روز بروز بیشتر شده و به تعداد کولبران، سوخت بران، دستفروشان و ده ها شغل پر خطر دیگر

### دیکتاتورها همه از یک قماشند

کشد تا آن لحظه را نبیند. قذافی در مخیله اش هم نمی گنجید که روزی اسیر مردمی خشمگین باشد برای همین یارای شلیک با تپانچه طلایی اش را نداشت اما با همان تپانچه کشته شد. دیکتاتورها در مسیری محتوم قدم برمی دارند اما نخوت و تفرعن ایشان توانایی درک مسائل اطراف شان به هنگام سقوط از ایشان میگیرد و البته هیچ راه دیگری هم ندارند و خامنه ای؛ باشد تا ببیند که به سخره گرفتن مردم چه عقوبتی برایش رقم خواهد زد.

کردن کارگران چنان وسعت یافت که دیگر کارفرما نتوانست از او دفاع کند و عذرش را خواست و فقط خدا می داند الان کجا دارد کند بالا می آورد.

حالا هم «حضرت آقا» که یک جلا دراکه به جلادی خودش افتخار می کند به ریاست جمهوری اسلامی نشانده است و با اشتیاق از یک شکست به شکست دیگر می رود که ته آن پیروزی نیست بلکه گور جمهوری اسلامی را عمیق تر می کند. دیکتاتورها همه از یک قماشند. از هیتلر و موسولینی تا همین آخری قذافی چنان در پناه آدمهایی مانند رئیسی احساس ظفرمندی می کنند که با هر کلام شان فقط هیزم خشم مردم را افزون می سازند. سخنان خامنه ای متفرعن حرف تازه ای از یک دیکتاتور نیست او باید هم شکست را پیروزی نشان دهد. اما این حرفها نه ته دل خودش و نه شنوندگانش را قرص می کند وقتی شاهدند که کارگران (نفت) در جمعیتی دهها هزار نفره در فردای «حماسه انتخابات» اعتصاب کرده اند. هیتلر که باور نمی کرد سقوط اش نزدیک است، خودش را

یاشار سهندی

۳۰ ژوئن ۲۰۲۱

### تهدید جانی، محور هشدار وزیر اسبق اطلاعات به سران جمهوری اسلامی

علی یونسی وزیر اطلاعات سابق جمهوری اسلامی در دولت خاتمی نسبت به نفوذ گسترده جاسوسان اسرائیلی طی ده سال اخیر در بخش های مختلف کشور می گوید: «شدت این نفوذ به حدی است که همه مسئولین جمهوری اسلامی باید برای جان خودشان نگران باشند». یونسی دلیل این نفوذ گسترده را این می داند که سازمان های امنیتی و اطلاعاتی به جای شناسایی جاسوسان به جان خودی ها افتاده اند.

علی یونسی و البته دیگر سران جمهوری اسلامی همچون محمود احمدی نژاد و محسن رضایی طی ماه های اخیر به برنامه های اجرا شده اعم از ترور عوامل و انفجارهای تاسیسات هسته ای و سرقت اسناد هسته ای اشاره کرده اند و مشخصا احمدی نژاد و حالا یونسی تمرکز

یکم جولای ۲۰۲۱

سازمان جوانان کمونیست

### اعتراض خانواده های کشته شدگان هواپیمای اوکراینی مقابل ایکانو: جمهوری اسلامی به هر جنایتی تواناست



بین المللی غیرنظامی، به سکوت این سازمان در محکوم نکردن سرنگونی این هواپیمای مسافربری اعتراض کردند.

خانواده های جان باختگان پرواز پی اس ۷۵۲ که بامداد چهارشنبه ۱۶ دی ماه سال ۹۸ با شلیک موشک های سپاه پاسداران کشته شدند، گفتند که این تجمع را در اعتراض به سکوت و «به بی عملی و عملکرد بسیار منفی سازمان جهانی هوانوردی غیرنظامی، ایکانو» برگزار کرده اند و سازمان های جهانی و دولت های درگیر باید به این جنایت واکنش نشان دهند.

یکم جولای ۲۰۲۱

سازمان جوانان کمونیست

حامد اسماعیلیون، در تجمع اعتراضی خانواده های کشته شدگان هواپیمای اوکراینی مقابل سازمان ایکانو در مونترال، گفت: این سازمان ها و این دولت ها، جمهوری اسلامی را چون ما نمی شناسند، ما که یوغ این ستمگر را ۴۲ سال به گرده کشیده ایم، می دانیم آنها به هر جنایتی توانا هستند و برای حفظ حکومت شان به هر جنایتی دست می زنند.

خانواده های کشته شدگان هواپیمای اوکراینی روز چهارشنبه در شهر مونترال کانادا پس از راهپیمایی از ورودی دانشگاه مک گیل در مقابل ساختمان ایکانو، هوانوردی



ادامه میدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۳

## جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران خواستار تحقیق در مورد نقش رئیسی در کشتار ۶۷ شد



نبوده و هیچگونه خسارتی هم داده نشده است.» در ایران چه در گذشته و چه در حال حاضر، مصونیت گسترده و سیستماتیک از مجازات برای ناقضان فاحش حقوق بشر وجود دارد.»

۳۰ ژوئن ۲۰۲۱

به کشتار معترضان در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ نیز اشاره کرد و گفت که «هیچ تحقیق مناسبی» در مورد این کشتار که خونین‌ترین ناآرامی‌های سیاسی از زمان انقلاب ۵۷ در ایران بوده انجام نشده است. «حتی با برآورد محافظه‌کارانه می‌توان گفت بیش از ۳۰۰ نفر کشته شدند و هیچ کس پاسخگو

وی گفت: «من فکر می‌کنم زمان آن فرا رسیده است و اکنون که آقای رئیسی رئیس جمهور منتخب است، بسیار مهم است که تحقیق درباره آنچه در سال ۱۹۸۸ رخ داده و نقش افراد را در آن آغاز کنیم.»

جاوید رحمان در بخش دیگری از مصاحبه خود

مصاحبه با خبرگزاری رویترز گفت که طی سال‌های گذشته دفتر وی شهادت افراد مختلف و شواهدی را در این رابطه جمع‌آوری کرده است که اگر شورای حقوق بشر سازمان ملل یا سایر نهادها آماده آغاز تحقیق بی‌طرفانه در این زمینه باشند او آماده است این شواهد را در اختیار آنان بگذارد.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران خواستار انجام تحقیق مستقل در مورد موضوع اعدام هزاران زندانی سیاسی به دستور مقام‌های جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۷ و نقش ابراهیم رئیسی در این کشتار جمعی شد.

وی روز دوشنبه ۷ تیر در

## انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی  
ادیتور: کاظم نیکخواه  
مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi\_hkki

تویتر: twitter.com/workercommunist

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۶۷۴۲۵

Sun NEWS MONEY DEAR DEIDRE TECH TRAVEL MOTORS PUZZLES SUN BINGO SUN VOUCHERS TOPICS A-Z

**BEAST IN THE MIDDLE EAST** Iran elects new president  
Ebrahim 'The Butcher' Raisi who had pregnant women tortured and ordered vile mass executions

Henry Holloway | Jon Lockett  
19 Jun 2021, 12:11 | Updated: 19 Jun 2021, 20:44

**WATCH THE VIDEO**

روزنامه سان چاپ انگلیس:  
جانور خاورمیانه! ایران رئیس جمهور جدید را انتخاب کرد، ابراهیم (قصاب) رئیسی، کسی که زنان حامله را شکنجه کرده و دستور شرورانه اعدام توده‌ها صادر میکرد

تماس با ما در تلگرام و سیگنال  
0046739681438

@javanan.komonist @javanan.komonist f@cyo.sjk @javanan.komonist

## اطلاعیه های حزب

## حمید نوری باید به جرم جنایت علیه بشریت محکوم و مجازات شود



Keresh Mousavi (Courtesy Image)

کسانی که در دستگیری و محاکمه کشاندن حمید نوری نقش داشته‌اند، از همه شاکیان حقیقی و حقوقی که در دادگاه شهادت خواهند داد، از کل جنبش عظیم دادخواهی، از مادران داغدار خاوران‌ها، از همه انسان‌های شریف و آزادیخواه می‌خواهد که با شرکت در صف دادخواهی، خواهان محکومیت و مجازات حمید نوری بشوند و به هر شکل و امکانی پشتیبانی خود را از برپایی این دادگاه و محکومیت حمید نوری ابراز کنند.

کلیه سران جمهوری اسلامی و عاملین سرکوب و کشتار مردم ایران، باید به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند.

حزب کمونیست کارگری  
ایران

۱۰ تیر ۱۴۰۰، اول ژوئیه ۲۰۲۱

دربسته و چند دقیقه‌ای، بدون حضور وکیل مدافع چگونه و توسط چه کسانی صادر و اجرا شده است. فرزندان مردم، در کدام گورهای بی‌نام و نشان دفن شده‌اند!

جهانیان باید بدانند به ویژه دول اروپا چگونه با این حاکمیت پلید و جانین مخوف ارتباط دیپلماتیک دارند. چگونه دیپلمات تروریست‌های این حکومت را پذیرفته‌اند. مردم داغدار ایران و کل وجدانهای بیدار جهان میخواهند بدانند امثال حمید نوری برای چه منظوری آزادانه در سفر و گشت و گذارند. این خواسته‌های برحق و انسانی جنبش دادخواهی باید در جریان محاکمه جانیانی نظیر حمید نوری پاسخ بگیرد.

حزب کمونیست کارگری  
ضمن تقدیر صمیمانه از همه

این دادگاه هستند. از کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ تا کشتار مخالفین در اعتراضات خیابانی، تا تروریسم سازمان یافته و آدم‌ربایی مخالفین در خارج کشور، تا سرکوب بی‌امان خانواده زندانیان سیاسی همه و همه رشته‌های به هم پیوسته جنایت سازمان یافته حکومت اسلامی است. با محاکمه حمید نوری کل این دستگاه سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی بر سکوی اتهام نشانده می‌شود.

وجدان‌های بیدار و آگاه جهانیان به همراه هزاران مادر داغدار و خانواده‌های مصیبت دیده، باید بدانند که چه بلایی بر سر هزاران زندانی سیاسی در شکنجه‌گاه‌ها و زندانهای جمهوری اسلامی آمده است. باید بدانند صدها زندانی ناپدید شده، احکام اعدام در دادگاه‌های

نشانده شده است.

با محاکمه حمید نوری که قرار است در تاریخ ۱۰ اوت شروع شود، کیفرخواست علیه یکی از خونبارترین و جنایتکارانه ترین اقدامات ضد بشری جهان معاصر در قساوت غیرقابل توصیف کشتار هزاران نفر از زندانیان سیاسی توسط دستگاه آدمکشی جمهوری اسلامی ایران، طرح خواهد شد. تاریخی خونبار که نه بخشیده و نه فراموش خواهد گردید! این باید آغازی برای دستگیری و محاکمه کل مقامات و مسئولین دستگاه امنیتی و قضائی جمهوری اسلامی باشد.

کل جنبش دادخواهی، مادران داغدار خاوران‌ها، بازماندگان هولوکاست اسلامی، تمامی قربانیان توحش حکومت اسلامی، شاکیان حقیقی و حقوقی

جنبش عظیم دادخواهی مردم ایران، با دستگیری و تصمیم به محاکمه حمید نوری، دادیار سابق زندان گوهردشت در سال ۱۳۶۷ و یکی از چهره‌های شناخته شده به همراه هیئت مرگ در زندانهای گوهردشت و اوین، وارد عرصه جدیدی از دادخواهی شده است.

حمید نوری که با نام مستعار حمید عباسی نیز شناخته می‌شود، شنبه ۹ نوامبر ۲۰۱۹ به دستور بخش جرائم سازمان یافته و بین‌المللی بدلیل ارتکاب جرائم و جنایت فاحش و قتل عمد از ۲۸ ژوئیه تا ۳۱ اوت ۱۹۸۸ (تابستان ۱۳۶۷)، با حکم دادستانی سوئد در فرودگاه استکهلم، بازداشت شد.

حمید نوری یکی از همکاران آیت‌الله قاتل ابراهیم‌رئیس در هیئت مرگ بوده است. جنایتکار حرفه‌ای که اینک به عنوان رئیس جمهور کشور بر مسند قدرت



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴

## کارگران ارکان ثالث و قرارداد موقت نفت نیز در تدارک اعتصاب هستند

اخبار نفت، ویژه اعتصابات سراسری: شماره ۱۵

ای فراتر رفته و با توجه به اعتراضات در میان بخش رسمی نفت دارد کل صنعت نفت و موسسات وابسته به آن را در بر میگیرد. مساله محوری در میان تمامی بخش های نفت خواست افزایش دستمزد هاست. بعلاوه کارگران پیمانی بر تغییر نوبت کاری شان به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت تاکید دارند. این کارگران تا کنون ۲۵ روز کار و فقط ۵ روز مرخصی داشته اند و با توجه به شرایط کاری ناجور و دور افتاده بر افزایش زمان مرخصی از کار پافشاری دارند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با تاکید بر اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون تومان باشد بر افزایش حقوق متناسب با رده های مختلف تخصصی و سوابق کاری و توافق با کارگران و نیز ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت برای کارگران که بتوانند وقت کافی برای دیدار با خانواده هایشان داشته باشند تاکید کرده است. پایان دادن به قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی، کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای خواسته های دیگری است که از سوی این شورا طرح شده و همه کارگران نفت را در برمیگیرد.

در برخورد به اعتصاب سراسری کارگران پیمانی پروژه ای و کشیده شدن دامنه اعتراض به کارگران رسمی حکومتیان و پیمانکاران به تکاپو افتاده اند. حسن روحانی و زنگنه وزیر نفت کارگران را به پیمانکاران حواله داده و اعلام کرده اند که این کارگران باید معضل خود را با صاحبان کارشان حل کنند. از سوی دیگر نمایندگانی از مجلس اسلامی در عکس العمل به اعتراض بخشهای متعدد کارگران نفت، این بحث را که باید مصوبه نحوه افزایشات مزدی کارگران رسمی را

اعتصاب کارگران پیمانی و پروژه ای نفت با قدرت به جلو میرود و در حال حاضر دهها هزار کارگر در هفتاد و پنج مرکز کارگری در ده استان در اعتصاب بسر میبرند. بعلاوه بر اساس خبرهای دریافتی گروهی از کارگران ارکان ثالث به وضعیت استخدامی و شرایط کاری خود به شدت اعتراض دارند و می گویند اگر به خواسته های آنها عمل نشود دست به اعتصاب خواهند زد. این گروه از جمله در برگیرنده بخش عمده ای از نیروهای فنی مهندسی پتروشیمی ها، مجتمع گاز، شرکت های تحت پوشش شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی حفاری، پایانه های میعانات گازی، سازمان منطقه ویژه پارس می باشد و در کل صنعت نفت ۱۰۶ هزار نفر را در بر میگیرد.

همچنین خبر میرسد که کارگران قرارداد موقت نفت نیز در تدارک پیوستن به اعتصاب هستند. این بخش از کارگران نفت که شمار آنها به ۳۶ هزار نفر میرسد، خواستار بازنگری در نظام پرداخت حقوق و دستمزد و اعمال فوق العاده های شغلی مطابق آنچه که به کارگران رسمی پرداخت میشود و اجرای همسان سازی حقوقها هستند. خواست فوری این کارگران تبدیل بدون قید و شرط قرارداد موقت آنها به قرارداد رسمی است. کارگران قرارداد موقت به پاسکاری بین قانون کار و قوانین استخدامی نفت نیز اعتراض دارند. فضای اعتراضی در میان این کارگران بالاست و مساله شروع اعتصاب بسیار داغ است. همچنین رانندگان دهلران و یزد و نفتکش های اصفهان نیز به اعتصاب پیوسته اند.

بدین ترتیب دامنه اعتصاب نفت از کارگران پیمانی پروژه

## تجمع بازنشستگان شرکت واحد، و دو خبر دیگر

همکاران خود توسط حراست سپیمان سپاهان مقابل درب ورودی شرکت تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار همکارانشان شدند. اخراج کارگران به دلیل حضور آنها در تجمعات اعتراضی این کارگران در هفته گذشته بخاطر عدم پرداخت کارانه و بهره وری صورت گرفته است.

روز سه شنبه جمعی از خدمتگزاران و سرایداران مدارس مشهد در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل آموزش و پرورش تجمع کردند

روز چهارشنبه ۹ تیر جمعی از بازنشستگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان مقابل اداره مرکزی شرکت واحد دست به تجمع زدند. این کارگران خواستار پرداخت کامل حق سنوات، پرداخت ۴ درصد حق بیمه کارهای سخت و زیان آور و واریز ۶ درصد حق کارگران از صندوق ذخیره کارکنان شهرداری تهران هستند.

روز ۹ تیرماه کارگران کارخانه سپیمان سپاهان اصفهان در اعتراض به اخراج

بازنگری کرد مطرح کرده اند. پیمانکاران در برخی مراکز نفتی سیاست اخراج کارگران پیمانی اعتصابی را مزمه میکنند و با دادن آگهی استخدام نیروی جدید روی کارگران اعتصابی فشار گذاشته اند. در برخی مراکز از کارگران خواسته شده که بصورت محلی وارد مذاکره شوند. اما کارگران اعلام کرده اند که اعتصاب سراسری است و اجازه نمیدهند بصورت پراکنده به آنها وعده و وعید داده شود و در صف اعتراضشان تفرقه ایجاد شود. از سوی دیگر در جایی مثل پالایشگاه بیدبلند ۲ پیمانکاران با کارگران کنسرسیوم "سازه" و "جهانپارس" که متشکل از دو شرکت هستند، تماس گرفته و آنها را تهدید کرده اند که چنانچه روز شنبه ۱۲ تیرماه به کار بازنگردند بابت روزهای اعتصاب از مزد ماههای اردیبهشت و خرداد آنها که هنوز پرداخت نشده، کسر خواهند کرد. در این کنسرسیوم نزدیک به ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند و از روز اول تیرماه وارد اعتصاب شده اند.

کارگران نفت در برابر همه این تهدیدات ایستاده و پیگیری مطالبات خود هستند.

پیش به سوی اعتصابات سراسری!

پیش بسوی ایجاد شوراها  
حزب کمونیست کارگری  
ایران

۹ تیر ۱۴۰۰، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۱

## تجمع اعتراضی کارگران راه آهن آذربایجان شرقی، کارنامه سبز ها، معلمان مدارس غیر انتفاعی و شهرداری بیجار

این تحسن سپری کرده اند.

روز سه شنبه هشتم تیرماه جمعی از معلمان مدارس غیرانتفاعی با خواست استخدام رسمی و در اعتراض به عدم پاسخگویی وزارت آموزش و پرورش مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. این معلمان در ماههای اخیر چندین بار تجمع اعتراضی داشته و خواست فوری آنها استخدام رسمی در آموزش و

روز سه شنبه هشتم تیرماه جمعی از کارگران ابنیه فنی راه آهن آذربایجان شرقی در اعتراض به اخراج ۲ نفر از همکارانشان مقابل ساختمان راه آهن آذربایجان دست به تجمع زدند. این دو بخاطر شرکت در اعتراضات کارگران علیه قراردادهای موقت کاری و تعویق پرداخت دستمزدها اخراج شده اند.

جمعی از قبول شدگان آزمون استخدامی که اصطلاحاً کارنامه سبز نامیده میشوند و در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی خود در روزهای ششم و هفتم تیر در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع داشتند، شب را در مقابل این وزارتخانه گذرانده و همانجا تحصن کردند. بنا بر خبرها برخی از این معترضین مادرانی هستند که همراه کودکان خود شب را در

کارگران شهرداری بیجار از روز ششم تیرماه به دلیل پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق و ۴ ماه اضافه کاری شان دست به اعتصاب زده و از جمع آوری زباله های سطح شهر امتناع کردند و مقابل ساختمان شورا شهر دست به تجمع زدند.

# زنده باد سوسیالیسم

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۵

## دنیا بداند جمهوری اسلامی می خواهد این دو کودک را اعدام کند!



است. اجرای حکم اعدام حسین شهبازی و علی ارژنگی، تهاجمی فبیع به حقوق کودک خواهد بود و عدالت را یک سره به سخره می گیرد.

جمهوری اسلامی علیرغم پیوستن به کنوانسیون جهانی دفاع از حقوق کودکان که مجازات اعدام کودکان را قویاً منع می کند. جزو معدود کشورهایی است که کودکان را با مجازات اعدام به قتل می رساند. در عین حال سازمان عفو بین الملل بارها پزشکی قانونی را بخشی از قوه قضائیه دانسته که در نقض مکرر حقوق و حیات کودکان با دادگاهها همدست است.

قوانین ارتجاعی قصاص و دیه عملاً اجرای عدالت را به یک معامله کثیف و ضد انسانی بدل می کند و خانواده شاکه را به قاتل و اجرای حکم قتل دیگر را به دست آنها می سپارد.

نهاد کودکان مقدمند از همه نهادهای مدافع حقوق کودک و علیه اعدام و مردم آزادیخواه، می خواهد خانواده های حسین شهبازی و علی ارژنگی را تنها نگذارد. با اعتراض مانع اجرای این حکم ضد بشری شوید. این دو نوجوان، نباید اعدام شوند!

نهاد کودکان مقدمند

۲ تیرماه ۱۴۰۰

۲۳ ژوئن ۲۰۲۱

اداره آگاهی شکنجه شد تا قتل را به گردن بگیرد. او در همه مراحل بازجویی و بازپرسی اعلام کرد که قصد دفاع از خود داشته است و به قصد و با نقشه از پیش مرتکب قتل نشده است. علیرغم اینکه وکیل مدافع علی ارژنگی بر اساس اصل دفاع از خود او را بی گناه و پرونده را مغشوش اعلام کرد، قاضی پرونده در حالی که او کودکی بیش نبود برای تأیید رشد عقلی او را به پزشکی قانونی که تحت امر و همدست دادگاه است فرستاد. رشد عقلی او تأیید شد. شعبه ۳ دادگاه کیفری یک، ویژه اطفال و نوجوانان او را به جرم قتل عمد به اعدام محکوم کرد و دیوان عالی کشور نیز آنرا تأیید کرد.

علی ارژنگی، روز شنبه ۲۲ خرداد ماه با بریدن بخشی از گردن و رگ های خود، تلاش کرد تا پیش از اجرای حکم به زندگی خود خاتمه دهد. او در بیمارستان فاطمی شهر اردبیل در شرایط بسیار وخیم جسمی و روانی به سر می برد.

«دیانا الطحاوی»، معاون دفتر خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین الملل در واکنش به احکام اعدام این دو نوجوان گفته است: «استفاده از مجازات اعدام علیه فردی که در زمان وقوع جرم کودک بوده است، در قوانین بین المللی حقوق بشر ممنوع شده و ناقض تعهدات بین المللی ایران

حسین شهبازی در زندان عادل آباد شیراز و علی ارژنگی در زندان مرکزی اردبیل، دو کودک زندانی که در زمان دستگیری زیر سن ۱۸ سال بوده اند، در دادگاهی کاملاً غیر منصفانه، با پرونده هایی بشدت مخدوش به اعدام محکوم گردیدند. آنان را زیر طناب دار نگهداشته اند تا چند روز دیگر اعدام کنند.

حسین شهبازی در نهم دی ۱۳۹۷ به جرم قتل دستگیر شد. مدت ۱۱ روز از دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده خود محروم بود. در بازداشتگاه اداره آگاهی شیراز تحت بازداشت و بازجویی قرار داشت. پس از آن در ملاقات با مادرش به وضوح آثار شکنجه، آزار و اذیت و کبودی روی صورتش قابل مشاهده بود. وزن زیادی نیز از دست داده بود. در وضعیت روانی نگران کننده قرار داشت. یکسال بعد در شعبه ۳ دادگاه کیفری یک استان فارس به اعدام محکوم شد. با وجود آنکه قاضی پرونده کودک بودن حسین شهبازی در زمان ارتکاب جرم را تأیید کرد. سازمان پزشکی قانونی، رشد عقلی حسین را تأیید کرد. دستگاه خونریز قوه قضائیه ایران قصد دارد حسین شهبازی را روز هفتم تیرماه ۱۴۰۰ دار بزند.

علی ارژنگی ۱۷ ساله به جرم قتل دستگیر شد. مانند همه کودکان دستگیر شده، در

## تجمع بازنشستگان صنایع فولاد در تهران، اهواز و اصفهان و بازنشستگان تامین اجتماعی تهران و هواپیمایی هما

### کارزار برای آزادی اسماعیل گرامی معلم بازنشسته

انتظامی در برابر آنها دیوار دفاعی درست کرده بود و مانع حرکت آنها میشد. این بازنشستگان تا کنون چندین تجمع اعتراضی برپا کرده و در اعتراضاتشان دست به راهپیمایی زده اند.

خواسته های مشترکی مبارزات بخش های مختلف بازنشستگان را به هم پیوند میدهد. افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون، درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی فوری اسماعیل گرامی معلم بازنشسته و بسته شدن پرونده امنیتی او و همه زندانیان سیاسی، پایان دادن به اختلاس ها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته صندوق بازنشستگی به این صندوق از جمله خواسته های اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی در اجتماعاتشان و در بیانیه های اعتراضی شان است.

از مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیر ۱۴۰۰، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۱

روز ششم تیرماه بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده بازنشستگان فولاد در تهران، اهواز و اصفهان مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کرده و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند. اعتراض این کارگران به عدم پرداخت مستمری خود و نحوه همسان سازی حقوقها، محرومیت از همان خدمات رفاهی تعیین شده در آیین نامه ی استخدامی فولاد و از جمله درمان، و وضع اسفناک زندگیشان است.

در این روز همچنین جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی در تهران نیز برای پیگیری مطالبات شان مقابل سازمان تأمین اجتماعی تهران تجمع کردند. یک کارزار مهم بازنشستگان تامین اجتماعی آزادی فوری اسماعیل گرامی معلم بازنشسته است که از ۱۴ فروردین تا کنون به جرم شرکت در تجمعات اعتراضی و پیگیری مطالبات خود در زندان است. او به ۵ سال حبس و حکم وحشیانه ۷۴ ضربه شلاق و دو میلیون جریمه نقدی محکوم شده است. تاکنون صدها نفر از بازنشستگان، معلمان و دیگر فعالین اجتماعی طومار اعتراضی در حمایت از اسماعیل گرامی را امضا کرده اند. باید وسیعاً به این کارزار پیوست.

در همین روز بازنشستگان هواپیمایی هما نیز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم همسان سازی دقیق بر اساس مصوبه دولت و کاهش هر روزه قدرت خرید خود در تهران تجمع کردند. نیروی



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۶

## فراخوان به کارگران در سراسر کشور پرچم همبستگی با کارگران نفت را با خواست افزایش دستمزد بالای ۱۲ میلیون برافزایید

در شرایطی که کارگران نفت دست به اعتصاب سراسری زده و با قدرت با خواست افزایش دستمزد بالای ۱۲ میلیون و جمع کردن بساط پیمانکاران و خواست های عادلانه دیگری به میدان آمده اند، فضای مناسبی شکل گرفته که کارگران در سراسر کشور همبستگی خود را با کارگران نفت و مطالبات بحق آنها اعلام کنند و حول این خواست ها متحد شوند. خواست های کارگران نفت خواست های همه کارگران در همه مراکز کارگری است.

کارگران نفت در اعتصاب سراسری خود اعلام کرده اند که هیچ دستمزدی نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. این خواست همه معلمان و بازنشستگان و پرستاران و کارکنان زحمتکش ادارات است. دستمزد بالای دوازده میلیون یعنی مقابله با زندگی زیر خط فقری که مفتخوران و یک درصدی های حاکم به کارگران و مردم کارکن و زحمتکش تحمیل کرده اند. یعنی صف بندی متحدانه کارگران علیه کارفرمایان و پیمانکاران که از قبل کار طاقت فرسای کارگران، هر ماه میلیاردها تومان به جیب میزنند. کارگران فولاد و هفت تپه همبستگی خود را با کارگران نفت اعلام کرده اند. خانواده های دادخواه و تشکل های مختلف کارگری و معلمان و بخش های دیگری از جامعه نیز به جنبش حمایت از کارگران اعتصابی نفت پیوسته اند. فضایی از همبستگی با کارگران نفت در جامعه شکل گرفته و سرعت در حال گسترش است. وقت آن است که کارگران در سراسر کشور به این جنبش پیوندند. کارگران نفت فی الحال این خواست کل طبقه کارگر را با اعتصاب قدرتمندشان اعلام کرده اند. باید به این حرکت پیوست.

با برافراشتن پرچم "هیچ دستمزدی نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد" متحدانه به میدان بیایید، حول این خواست در سراسر کشور متحد شوید و اعتصاب همکاران خود در نفت را تقویت کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ تیر ۱۴۰۰، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۱

## اطلاعیه در مورد تغییر مدیریت کانال جدید



به اطلاع میرسانیم کیوان جاوید پس از ۱۷ سال فعالیت پیگیر و خستگی ناپذیر در کانال جدید و ۱۵ سال مدیریت آن، این مسئولیت را واگذار کرد و با انتخاب کمیته تلویزیون و تأیید هیات اجرائی کیوان آذر به سمت مدیریت تلویزیون کانال جدید برگزیده شد. به کیوان آذر مسئولیت جدیدش را تبریک میگوییم و امیدوارم همچنان در پیشبرد وظایف حزبی اش موفق باشد.

حمید تقوایی  
۲۶ ژوئن ۲۰۲۱

جا دارد در اینجا از کیوان جاوید بخاطر زحمات بی دریغ و شبانه روزی اش به

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۷

## فراخوان به ایرانیان مقیم خارج به تجمعات اعتراضی اجازه ندهیم جمهوری اسلامی و رئیس جمهور قاتلش را به رسمیت بشناسند

جمهوری اسلامی آیت الله قاتلی را به ریاست جمهوری رساند. کسی که سوابق جنایت‌هایش چنان آشکار و شناخته شده است که نهادهای بین المللی و رسانه های غربی از ضرورت محاکمه او صحبت میکنند و عملاً هیچ دولت غربی از ترس اینکه کنار این جنایتکار دیده شوند، پیام تبریکی به او نداده است.

بیاید صدای مردم معترض و صدای اعتصاب کارگران نفت را به گوش جهانیان برسانیم. همبستگی افکار عمومی را با مردم ایران جلب کنیم و به دول غربی فشار آوریم که از به رسمیت شناسی جمهوری اسلامی و رئیس جمهور جدیدش خودداری کنند، رابطه شان را با جمهوری اسلامی قطع کنند و آن را از جامعه جهانی طرد و منزوی کنند.

از روز شنبه ۳ ژوئیه تا شنبه ۱۰ ژوئیه در تعدادی از شهرهای اروپا و کانادا تجمع میکنیم تا همصدا با مردم معترض در ایران، همصدا با اعتراضات و اعتصابات کارگری، همبستگی افکار عمومی را با مبارزات مردم ایران و مشخصاً کارگران نفت جلب کنیم و پیام قاطع خود را به دول غربی برسانیم که جمهوری اسلامی و رئیس جمهور قاتلش را به رسمیت نشناسند.

با ما همراه شوید. در این تجمعات شرکت کنید. هر جا میتوانید در مقابل پارلمان ها و وزارت امور خارجه کشورها یا هر نقطه مناسب دیگر در روزهای سوم تا دهم ژوئیه آکسیون هایی برپا کنید و ابعاد اعتراض را بیشتر کنید. جامعه ایران دوران بسیار متحولی را میگذراند و شایسته است که ایرانیان مقیم خارج با تمام قوا و همصدا با مردم در داخل کشور دست به اقدام بزنند.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱ ژوئیه ۲۰۲۱

